



سال سوم - دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۶۰ بهار ۴۰ روال

انقلاب پرشکوه
کارگران و زحمتکشان ایران
رژیم جمهوری اسلامی را به
گورستان تاریخ خواهد سپرد!

کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی،

ناقوس مرگ رژیم را به صدا درآورده است

مرگ آنان سرود سرخ رهایی را رسا تر کرد!

۱- رفیق شهید محمود حسنی مقدم (سعید)
 ۲- رفیق شهید باقریزادانی (برزو)
 ۳- رفیق شهیدها شم کرمی
 ۴- رفیق شهید اسماعیل حسن وند

سخنران اخیر وزیر خارجه امپریالیسم آمریکا و افسانه ضد امپریالیست بودن رژیم

چندی پیش! الکساندر هیک وزیر امور خارجه دولت امپریالیسم آمریکا و یکی ازها رترین سیاستمداران آن، در مصاحبه ای پیرامون اوضاع ایران اعلام کرد، که "دولت آمریکا سیاستی را تعقیب میکند که منجر به روی کار آمدن رژیم میانه رویی در تهران شود که با منافع و ارزشهای آمریکا سازگار باشد". این گفته "هیک" مطابق معمول، از جانب محافل مختلف رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، رویزیونیست ها و سوسیال امپریالیست ها، با تبلیغات و هیاهوی فراوان بعنوان "شاهد" دیگری بر خصلت فدا امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی و ضدیت طبقاتی امپریالیسم آمریکا با آن از این زاویه، علم گردید و تبلیغات عوام فریبانه ای پیرامون آن بها شد. بطور کلی، وجود تفاذهای معینی بقیه در صفحه ۲

مقاومت انقلابی

نفتنگران مبارز

پالایشگاه

در صفحه ۳

کارگران سایپا

در مقابل

یورش

ارتجاعی

در صفحه ۴

بندر عباس:

یورش ارتجاع حاکم

به دهکده داران زحمتکش

بقیه در صفحه ۹

شهادت سه رفیق پیشمرگه

قهرمان در کامیاران

برک دیگری از جنایات حزب

دمکرات و مزدوران رزگاری

در صفحه ۲۰

در این شماره می خوانید:

در صفحه ۳

اعتراض دسته جمعی کارگران اتاق سازی بتر خاور

در صفحه ۴

گزارشی از کارخانه سایپا

در صفحه ۶

رویزیونیسم آراسته بانوماریف و بازتاب آن در میان سائترست ها (۴)

در صفحه ۱۲

بمناسبت شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر و استقرار حاکمیت شوراها

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱ سخنان.....

میان امپریالیسم آمریکا و ارتجاع
ما کمپرا بران و شکل گیری پیوسته
بهران سیاسی در زمان سبب و روابط
دیپلماتیک و سیاسی آنها، همواره
بمنوان یک ابزار موازنه امپریالیسم
برای برانگشتن توهم "خلعت ضد-
امپریالیستی رژیم در میسبان
توده ها و نه تنها توده ها بلکه حتی نیرو-
های آگاه، مورد بهره برداری های فراوان
قرار گرفته است. در یک تحلیل عمومی،
این تنها شگرد رژیم بران نیست،
بلکه رژیم های متعددی که ویژگی
آنها، دارا بودن نوعی مسدود
واستکشی آشکارا سیاسی بوده
امپریالیسم است. و با سوسیالیسم
امپریالیسم شوروی و کشورهای
وابسته به آن، که تضادهای آن بسیار
امپریالیسم آمریکا از نوع تضادهای
درون امپریالیستی است، از این
وسیله برای پوشاندن ما هیت ضد
انقلابی خویش و پوشاندن اساس
ضد امپریالیستی برپیکر گنبد و
ارتجاعی خویش سود میجویند،
کشورهای از نوع لیسی یا سوریه
والجزایر و... از این قبیل اند،
این کشورها در حالیکه وابستگی -
های هر یک اقتصاد به سرمایه -
داری جهان غرب دارند، و بسیار
منا سبب اما رتباری با سوسیالیسم
امپریالیسم شوروی ایجاد کرده اند
و در حالیکه نقش عمده را در سرکوب
و استثمار کارگران و زمین کشاورزان
داشته و کوچکترین اعتراضات آنها
را بشکل وحشیانه ای سرکوب
میکنند و بدترین نوع خفقان را در
کشورهای خود برقرار ساخته اند،
ما کمپرا بران امپریالیستی و مردمی هر
چهره زده و این فریبکاری و پوششی
ضد امپریالیستی را به وسیله ای برای
ادامه بقا و حیات سرمایه داری
جهانی بطور کلی و در کشور خود بطور
مشخص تبدیل نموده اند. رژیم
لیسی در حالی که دما زده بر علیه
امپریالیسم میزند که تا روپوشود
اقتصاد نفتی اش بطور هر یک به
کار تبلیغی نفتی امپریالیستی
وابسته است، الجزایر در حالی که دم
از مبارزه ضد امپریالیستی میزند
که بطور مثال در همین یکسال گذشته
بزرگترین قرارداد دگازی جهان را
با نرخ بسیار پایین ثری از نرخ
متوسط بین المللی آن با امپریالیسم
آمریکا است. بطوریکه حتی سروصدای
هواداران پروپا قرص خود را که آن
را رژیم "ضد امپریالیست" قلمداد
میکنند، در آوردن سوریه، ایران
رژیم با اصطلاح ضد امپریالیست، هنوز
بیش از ۶۰ درصد مراودات اقتصادی
- اش با امپریالیستهای غربی
است و وسیل کالاهای مصرفی و نیمه -
باخته سرمایه داری غرب، بطور
مداوم و در ابعاد فزاینده به سمت
این کشور سرازیر است. و اینها همه

جلوه های از مناسبات اقتصادی
آنها با امپریالیستهای غربی
است که خود دم زده با امپریالیسم
میزنند و خود خود را به عنوان
از این محمل
اصولا کشورهای از این دست
یکی از راه "صل" ها می است که
سرمایه داری جهانی، چه نوع غربی
و چه نوع شرقی آن، برای قلمرو
بهران سرمایه داری و جلوگیری از
اشهاد امکان آن برای حفظ عیار
حیاتش و از این جهت می شود، دوست
همانطور که در طول تاریخ معاصر
اروپا، سوسیالیسم و کمونیسم
در همه اطمینان برای فروشندگی
بهران انقلابی در کشورهای ملوک
غرب، عمل می کرد، در مقابل مختلف
او کمپری بهران انقلابی و اقتصاد
در این جزایر و مناطق با مسدود
غیرش بوده ای. و انقلاب با سرافرازین
داشتن یک سری فریبها، به ما میدان
گذاشته است تا داری ضابطه پیوسته
برای ضابط سرمایه داری و بهران
درونی آن باشد که اکنون نیز به
نظر میرسد، اروپا، میروید که چینی
حالتی را ایجاد می کند (و درست
همانطور که "نهیضت" کشورهای
اجتلاح غیر متعهد، در اوایل دهه ۶۰
میلادی، دقیقاً به طریق مشابه
گذاشتن موج مبارزات او میگردند
پس از جنگ دوم جهانی با ترک گذاشتن
نه شرقی - نه غربی و در واقع نه
کمونیسم، نه امپریالیسم، شکست
گرفت تا جیتیگری مبارزات توده -
ها را به سوی انقلاب و سوسیالیسم
جهانی، متوقف ساخت و در شکست
ظرفیت و معیار نه تری از گسترش حلقه
رنگین کشورهای سرمایه داری جلوه
گویی کرد و این کشورهای را در ملوک
امپریالیسم نگاه دارد، اکنون می-
توانیم بگویم که به تدریجی کشورهای
با اصطلاح غیر متعهد، که اکثر آنها
وابسته به ملوک های مختلف
امپریالیستی هستند و با حفظ
نوعی استقلال نسبی سیاسی، در
اردوگاه ارتجاع جهانی خویش و
حفظ کرده اند، میتوان گفت سوا
مضمون واقعی این نهضت، "خمس
شرقی - نه غربی" را مشاهده کرد.
سرمایه داری جهانی، بهر از جنگ های
به چینی "رژیم ها" و "نیضت ها" می
نیاز دارد تا آنها را تحمل می کنند تا
با از دست دادن برخی جنبه های
تاکتیکی و حتی مهم، مانع امانی
واستراژیک و سیاسی خویش را در
هر یک کشورهای جهان حفظ کند
در همان حال که با این کشورها را
تضادهای معینی نیز هستند. تا آنجا
که به امپریالیسم غرب مربوط می -
شود (بویژه امپریالیسم آمریکا)،
این سیاست تا آنجا "مجاز" است که
اولاً در این کشورها، امکان ایجاد
و با حفظ و بقای یک رژیم کاملاً
وابسته و مزدور و کاملاً مطلوب وجود

نداشته باشد و ثناً، این رژیم ها
متوانند بهران سیاسی را از میان
برده و "شیان" را به کشورهای زنگنه
و انقلاب را فروپاشی دهند، و با فاش شدن
این رژیم ها در اردوگاه امپریالیسم
غرب همچنان با قبضه شده و به سمت
اردوگاه رقیب یعنی سوسیالیسم
امپریالیسم شوروی، خلع و دودین
فرستند. "رقیب" را بر "ما" مسلط
ما لگ نگردد.
در مورد رژیم جمهوری اسلامی
منا سبب سیاسی امپریالیسم
آمریکا با آن نیز، همین ملاکها
مردی میکنند، شکی نیست که رژیم
جمهوری اسلامی، از منادی استقلال
نسبت به رژیم های از رژیم آید و
کاملاً مطلوبی برای امپریالیسم
آمریکا نبوده، اما مانع استراتژیک
آمریکا و نیز تضاد سبب قوای موجوده
و ترکیب اقتصاد، قدرت سیاسی و
نقش و جایگاه امپریالیسم در آنجا به
صورتی که در آخرین لحظات برگ رژیم
سلطنت، آمریکا به پای میز مسک
مآزق تاریخی برای استقرار رژیم
جمهوری اسلامی، برود و چنین نیز کرد
پس از این استقرار رژیم امپریالیسم
آمریکا، بهر از طریق، جهت سیاسی و
شرایط مدگانه فوق الذکر، به
پشتیبانی از این رژیم دست یازید
اما با گذشت زمان، به تدریج احساس
و اطمینان روشن شد که بهران سیاسی
جامعه ایران، بهر از نوعی، روزه اغیار
نیست بلکه، مانع از رشد و رژیم
جمهوری اسلامی، تا در به بهر آن
نیست، در کنار این واقعیت تغییر
شنا سبب قوای نیروهای درون حکومت
به زبان امپریالیسم که تا جل آشکاره
امپریالیسم غرب داشتند و در طسول
حیات فعال خود در دوره دولست
وقت به بهترین وجهی این را به
نمایش گذاشته بودند، و به دفع خارج
عزب جمهوری اسلامی، که هوا هسان
تحتال در میان ملوکهای امپریالیستی
بوده و حتی گرایش نیروی مندی در آن
نوعی شامل به امپریالیسم شرقی
را از منادی، میگرد، نیز به تدریج
امپریالیسم غرب را به سمت تمارخی
به تدریج رژیم جمهوری اسلامی، و
دست خستن از حمایت فعال از آن و
حل به تدریج به یک حکومت میانه رو
که در واقع شرایط مدگانه فوق را
به جامعه ایران بازگرداند، و سرور
داد و این تمارخی از همان مقطع
سفارت که بر آفریک محسوران
دیپلماتیک در مناسبات رژیم ایران
و آمریکا بود، شکل گرفت. به چینی
درست از همان زمانیکه رژیم جمهوری
اسلامی، به یک رژیم برای چرخش
موازنه سرمایه داری جلوگیری از سیر
رو به انحطاط با یکا هنر میسبان
توده ها از یک سو و تفرقه جاب میسبان
دو جناح اصلی حکومت از سوی دیگر
بود، نیازمند گردید، این حرکت در
بقیه از صفحه ۱۳

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



بیورش ارتجاع به کارخانه "دیو"

روزی پنجمشنبه ۶۰/۷/۱۶ بعد از پایان کار وقتی کارگران سوار سرویس شده و میخواستند کارخانه را ترک کنند، دژبان در مانع از این کار شده و کارگران از ساعت ۱۱/۵ ساعت حدود ۲ معطل می ماندند و هر چه علت را جویا می شوند کسی به آنها جواب نمی دهد. بالاخره کارگران بدون آنکه دلیل دوا علت معطلی را بفهمند اجازه می یابند که به خانه بروند. کارگران روز شنبه که به سرکار می آیند متوجه می شوند که کارخانه را دستگیر کرده و به زندان اوین برده اند. (البته در اوایل همان هفته دو تن دیگر از کارگران را دستگیر کرده بودند) کارگران دیدند که تمام کمدها شکسته و زری شده اند. از آن روز به بعد جویا خفای در کارخانه حکمفرماست. در ورودی بدن تمام کارگران را میگردانند و آنها را کنترل میکنند، در حین ساعت کار، کارگران نمیتوانند به کارگاه های دیگر رفت و آمد کنند، تمام توالیها را مورد ارجح قرار داده اند، برای کمدها قفل جدید گذاشته اند و یک کلید کمدها را پیش خود نگه میدارند تا در موقع ضروری به کارگاه های کمدها برسد و غیره. کارگران کارخانه شنبه سبت به این جوخه فتن و بیورش ارتجاع اعتراض داشته و از دستگیری دوستان کارگر خود معترض میباشند.

مقاومت انقلابی نفتگران مبارز پالایشگاه

چنانکه در خبرنامه ۱۶ آمده است: با صدور اطلاعیه ای از سوی عرمی حلامی سراسر اه شدن ساعت کار به ۲۴ ساعت در هفته و لغو تعطیلی پنجشنبه ها و همچنین قطع حق کارگاهی، مدای اعتراضی نفتگران مبارز از هر سو بلند میشود و اکثریت کارکنان پنجشنبه به سرکار حاضر میشوند. اینک رژیم که در مقام مبارزات دلاورانه نفتگران مبارز در مانده و زیون گردیده است چنانچه تهدید خود را از آستین دادگاه انقلاب اسلامی شیراز بیرون آورده و بخش نامه ای صادر کرده است که اگر کارگران در سرکار حاضر نشوند چنان و چنین جواریم کرد و اخراجشان خواهیم کرد!

در تاریخ ۶۰/۷/۸ روای قسمت های مختلف نامه پیداگاه ضد انقلاب را آورده و برای کارکنان

شنیدند رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میخواهد به کارگران وام ممکن بدهد به بانک رفاه کارگران کرج مراجعه کرده و خواهان وام میشوند. کارگران که جز استعمار بیشتر چیزی عایدشان نشده است و فاقد رفاه زندگی میباشند و بارها در تجربه خود دیده اند که رژیم جمهوری اسلامی نه مانع میدهد و نه ممکن، این بار نیز برای ممکن به کارگران وام رژیم رجوع نمودند. البته کارگران چندان آمیدی نداشتند که دولت سرمایه داری به همه کارگران وام ممکن دهد ولی بهر حال یکبار دیگر با تجربه میگردند و می بینند که رژیم حاکم، دشمن کارگران است. مسئولین دولتی و پاسداران سرمایه که با تجمع صدها کارگر بی ممکن روبرو شده بودند و احتمال این را می دیدند که آنان به تحمیل دست زنند، به سر نیزه متوسل میشوند. کارگران انی که در انتظار وام بودند با تفنگهای ژ-۳ پاسداران مواجه میشوند. مدافعین سرمایه داری به کارگران شلیک میکنند و در این حمله ضد انقلابی یک کارگر قهرمان به شهادت میرسد و ۳ کارگر دیگر زخمی و مجروح میگردند. کارگرانی که در مقابل بانک تجمع نموده بودند در مقابل تیراندازی شدید پاسداران جنايتكار با کینه ای بس بزرگ علیه سرمایه داری و رژیم حاکم متفرق میشوند.

انگاس این واقعه در کارخانه نجات نزدیک به کرج به خصوص کارخانه "لندور" بسیار زبا بدید. کارگران "لندور" در طی دوروز و دو سه روز وکشتار کارگران توسط پاسداران رژیم محبت میگردند. کارگران میگفتند: "اینها در حرف دم از مستضعف میزنند در حالیکه خودشان مخالف سرخست ما هستند" و پس در خطاب به دولت حاکم میگویند: "اگر شما طرفدار مستضعف هستید چرا بجای وام گلوله به ما میدید؟ در حقیقت کارگران با این سخنان افشاگرانه ما هیت مدکارگری رژیم را برملا کرده و روحیه همبستگی طبقاتی با سایر کارگران را بنما میباشند. آنها جمود انقلابی میگردانند. پاسداران به کارگران یکبار دیگر نه تنها به کارگران تجمع کنند بلکه به علاوه به کارگران دیگری که در جریان این واقعه قرا گرفته اند نشان داد که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی قادر نیست خواسته های حق طلبان کارگران را پاسخ گوید و جز تنه و استعمار بیشتر و جگر گلوله چیز دیگری به کارگران نمیدهد. آزادی واقعی کارگران فقط و فقط دروسیالیم است.

اعتراض دسته جمعی کارگران اتاق سازی بنر خاور

قسمت اتاق سازی شرکت اتومبیل سازی بنر خاور شنبه ۶۰/۸/۳ از کار دست کشیده و یکبار به بطرف "شورا" رفته و خواهش از افزایش ۲۵ ساعت "پورسانت" و گرفتن "حق نهار" ماه گذشته میشود. اعتماد دسته جمعی کارگران نصف روز طول میکشد بطوریکه تولید کارخانه نصف میشود. حرکت اعتمادی و اعتراضی کارگران در دونوبست دیگر با درجه کمتری تکرار میشود و کارگران با کم کاری و زدن تولید به مبارزه خود ادامه میدهند. شورا و مدیریت ضد کارگری که با اعتراض یکبار چرخ کارگران روبرو شده بودند از ادین پاسخ طفره رفته و قرا راست بعد از با مصالح بررسی به آنها جواب دهند. آنچه که اهمیت دارد اینست که این مبارزه در قسمت مونتاژ کارخانه در دوره اخیر که با بیورش فشرده رژیم جمهوری اسلامی مواجه است سابقه نداشته است. این حرکت دسته جمعی و قهرمانانه نشان میدهد که کارگران از خفقان و پاسداران سرمایه نمیهراسند و برای حقوق حقه خویش حاضرند قاطعانه مبارزه کنند. آنچه که در این حرکت دسته جمعی اعتراضی کارگران قسمت اتاق سنگین بنر خاور با بدیهه آن توجه کنند توضیح اهدافشان به کارگران سایر بخشهاست. آنها با پیدا تمام کارگران کارخانه تماس گرفته و آنها را به اعتصاب همگانی فرا میخوانند.

مبارزه اگر فقط در یک بخش جریان داشته باشد دشمنان آنرا نمیتوانند ترا شکست دهد به همین خاطر کارگران بنر خاور با صفوفی متحد در مقابل شورا و مدیریت و پاسداران سرمایه با بد قهر را بر بگیرند. لازمه مبارزه و مقاومت علیه سرمایه داری و دولت حاکمی سرمایه دار اتحاد طبقاتی و فشرده کارگران است.

بجای وام مسکن گلوله پاسداران

صدها کارگر بعد از اینک

پیش بسوی ایحاد حزب طبقه کارگر



هر قسمت خواندند (متن نامه در همین خبرنامه آمده است) در بالای نامه جمعی با این مضمون نوشته شده بود که "بخشنا مه را خوانده و امضاء بفرمائید" رویای مزدور که از بایرداری کارکنان برای حفظ خواسته بحق خود و نفرت علیه مزدوران حکومتی یحوی اطلاع دارند به کار می‌توانستند و اعلام میکنند که امضاء برای این است که با امضای نامه را شعل خوانده اند و نه اینکه متن آنرا هم قبول دارند!! و بدین وسیله عده‌ای را گول زده و از آنها امضاء میگیرند. در این میان نماینده شورای اسلامی که یک خاشاک بوده‌ای است به خوشترقی پرداخته و با توسل به همین حیل سخی میکند از کارکنان امضاء بگیرد. اکثریت کارکنان متن مذکور را امضاء نکردند در ساعت ۳/۳۰ دقیقه همین روز هنگامیکه کارکنان میخواستند به خانه‌ها بازگردند یک ژاندارم مسلسل بدست و یک گاردی در مقابل جاده ایستاده و به اتوبوسها اجازه حرکت نمیدادند. بعد از چند دقیقه یک جیب اتوبوس تعدادی بایدار به آنها ملحق شده و در بایدارها ایستاده و داخل یکایک اتوبوسها رفته و به کمک یکی از انجمن اسلامیهای بایدارها، اسامی عده‌ای را خوانده و در حدود ۸-۷ نفر از کارکنان مبارز را دستگیر کرده و با خود میبرند!

از رژیم مزدور می‌توانستیم با کثرتی فرزندانی کارگران و زحمتکشان را بجرم دفاع از آزادی و انقلاب بر زمین مهیزدیش از این انتظاری نیست!! سرمایه داران خوشحاله که از شیر هان زحمتکشان که به گشا خود را پر میکنند بید که کارکنان مبارز را صد انقلابی بدست آورده و دستهای آنها را اخراج کنند!

نفتگران انقلابی!! متحد و یکمدا، مبارزه برای کسب خواسته بحق خود ۴۰ ساعت کار در هفته را گسترش داده و بیگیریانه برای آزادی همکاران دربند خود با زکشت کارکنان اخراجی به سرکار به مقاومت برخیزیم.

کارگران سایپا در مقابل یورش رژیم ارتجاعی

کارگران سایپا که ما نمیدانیم کارگران سراسریان در ظرف ۲/۵ سال حکومت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی روز بروز بیشتر پی به ماهیت ضدکارگری و استثمار

آن می‌برند، با آنها هم سرکوبگرانه و وحشیانه آن که از تاریخ سی ام خرداد بصورت موجی از اخراجها و دستگیری وزندان و اعدام مشخص شد، تقریباً آخرین بقایای توهشان هم زدوده شد و چهره کربس سرمایه داری وابسته را عریان تر دیدند. موج ناراضی ها در کارخانه عمومی است و این نفرت و کینه کارگران بحدی است که غالباً در برابر انفعال و ترس و ترورهای عناصر مزدور رژیم، برای شادی میکنند و تقریباً اکثریت کارگران آرزوی مرگ و نابودی سردمداران رژیم را در دل دارند. کارگران این کارخانه در صحبت های خود نشان میدهند که دیگر کوچکترین امید ندارند که بهبودی در وضع حالشان بوسیله حکومت جمهوری اسلامی ایجاد شود. شاید این موضوع را از دهان حزب الهی های کارخانه بهتر بتوان دریافت: تعدادی از حزب الهی ها هم می‌دانند از رژیم حاکم قطع شده و میگویند "مگر امام زمان بیاید و اوضاع مملکت را درست کند و گرنه کسی نمیتواند این وضع را درست کند". میزان نفرت و کینه کارگران را از روی شعارهایی که روی درودیوار دست شویی ها و توالتهای کارخانه نوشته شده و اکثر با مفهوم "مرگ بر خمینی" می‌باشد براحتی میتوان پی برد. اخیراً مزدوران رژیم مجبور شده اند که تمام دست شویی ها و توالتهای ارتجاعی کنند و بگوید "توبه های انقلابی" "توبه های پاک میشود".

اما با وجود این روحیه نا راضی و معترضی عموم کارگران، بدلیل نبود هیچگونه تشکلی در میان کارگران و ضعف آگاهی مبارزاتی کارگران، این اعتراضات اغلب بصورت فردی و ابتدائی و بشکل "خوابگاه رانه" ظاهر میشود. چنانچه از بعد از ۳۰ خرداد باینطرف چندین مورد خوابگاه رانه در دستگاها و تولید مشاهد شده است از قبیل قاطی کردن آب با بادور نتیجه خوابیدن بمدت ۲ ساعت کنار دستگاها یا بادی کارخانه، البته انجمن اسلامی در این مورد یکی از کارگران را لکه بنظر عموم کارگران کارخانه بی ارتباط با خوابگاهی دستگاها بوده است دستگیر نموده است و بمدت ۶ ماه زندانی برایش بریده اند.

مواردی از خوابکاری احتمالی مثلاً پوست خربزه گذاشتن در دستگاه نقطه جوش و خوابیدن تولید مدت ۲ ساعت، خوابی دستگاه قیربازی و جرقیلها خط تولید و... البته بعلمت فشار کار زیاد که به کارگران وارد میشود و وجود جوش خفان و ترس که مبارزه دسته جمعی را بسیار محدود میکند تا بدین نوع حرکات فردی و "خوابگاه رانه"

کارگران طبیبی با شدولی کارگران آگاه و وظیفه دارند که اعتراضات و مبارزه کارگران را از این مسیر تغییر داده و به سطح مبارزاتی وسیعتر و عمومی تر نظیر کم کاری و مقاومت عمومی در مقابل افزایش تولید و... برسانند.

مدیریت کارخانه و انجمن اسلامی که برای تفرقه انداختن در میان کارگران و شکست مبارزات آنها و جلوگیری از حرکت دسته جمعی و عمومی کارگران کارخانه مرتباً به شایعه پراکنی در کارخانه می پردازند، میکوشند تا از این طریق مانع مقاومت عمومی کارگران در مقابل افزایش تولید گردند مثلاً بین دو قسمت نقاشی و خط تولید مرتباً بوسیله انجمن تفرقه اندازی میشود. اما افشای دامن این توطئه های ضدکارگری با انجمن و مدیریت و... بوسیله کارگران آگاه کارخانه زمینه مناسبی برای غنشی کردن آنها و برعکس ایجاد تشکل و همبستگی در میان کارگران کارخانه خواهد شد. کارگران مبارز و آگاه ما باید با تمام دامن کارگران را قسماً بطوریکه از جنم عوامل رژیم محلی بمانند، میتوانستند با پایداری و اتحاد کامل کارگران را فرا هم کنند و مبارزات دسته جمعی آنها را تدارک ببینند.

گزارشی از کارخانه سایپا

یورش سراسری و سرکوبگرانه رژیم ارتجاعی به انقلاب و حرکات حق طلبانه کارگران، در کارخانه سیتروئن (سایپا) بدینال بگیر و ببندهای قبل از ۳۰ خرداد انجام شد.

قبل از این تاریخ که کارگران با یک حرکت عمومی ناراضی عمیق خود را از مدیریت مکتبی رژیم بنام "کاتوزیان" بصورت حرکت انفجاری یک زن و بیرون انداختن او از کارخانه صورت داده بودند، بدلیل اینکه اقدامی علیه مزدوران رژیم سرمایه داری حاکم از طرف کارگران غیر منظم یک کارخانه بود بهزودی با دستگیری سش از ۳۳ نفرو بازجویی های بعدی از تعدادی دیگر از کارگران کارخانه و بخصوص با اخراج و زندانی نمودن تعدادی از آنان، سرکوب شده و تفرقه در میان کارگران سایپا بیشتر شد. این شرایط میدان مناسبی برای فعالیت های ضد کارگری و ارتجاعی رژیم و عملیات در کارخانه از قبیل "انجمن اسلامی" "شورای اسلامی" و مدیریت و سبب کارخانه و سایپا بداران شد. کارگران سایپا که تا قبل از این دچار خوشبختی و نسبت به حکومت بودند و این خوشبختی شان با



وجود جولیبرالی در جامعه - بخاطر تفاذیب جناح لیبرالها و حزب - تقویت میشد. اقدامات سرکوبگرانه رژیم را که کمالات و حشمت را دیدند - دجا ربهت زدگی شده و تا مدت ها سکوت بر کارخانه ها کم شده بود.

تحت چنین شرایطی بود (در این کارخانه) که یورش عمومی رژیم به انقلابی و کارگران در ۳۰ خرداد شروع شد و بنا بر این اقدامات ضد کارگری رژیم و عمالشان در کارخانه از قبیل تدارک شده و وقوع پیوسته بود. برای مثال ساعت کارگاه - ساعت ۴۰ تا ۴۰ ساعت در هفته بود - ۴۲/۵ ساعت کار خالص افزایش داده و از ۳۰ خرداد به بعد - دوشیفت کردن همان تعداد کارگران قبلی میزان تولیدات تو میلیل رنو را از ۴۰ تا ۶۰ به ۱۰۰ تا ۱۲۰ دستگاه در روز رساندند و بنا بر این از یک طرف تعداد کارگران کارکن را در هر شیفت نصف کرده و از طرف دیگر میزان تولید را دو برابر نمودند - یعنی در واقع فشار کار را به کارگر - ان بیش از دو برابر رساندند. این شرایط سخت کار را اغلب به بهر روز دعواهایی بین کارگران بخصوص - بوسیله اقترادلمین منجر میشد. کارگران با بیابخوبی می بینند که رژیم حاکم که فریادها را از مستضعفین و کارگران میزد چگونگی با زهر چشم گرفتن از کارگران و با برقرار کردن جو ترس و خفقان و بوسیله دستگیری و زندانی و اخراج و حتی اعدام نمودن کارگران مبارز کارخانجات قصد سودجویی بیشتر و استثمار را در پیش گرفته و حشمت و شری را دارد. و بدین ترتیب گرچه هر نوع مبارزات کارگران مواجه با شد رژیم ضد کارگری و ضد انقلابی جمهوری اسلامی می شود ولی در عین حال ماهیت سرمایه داری خود را به عموم کارگران آشکارا و بدون پرده نشان میدهد و در نتیجه خوش - باوری عموم کارگران جز عارضه سر سر شده و عقب مانده آنها نسبت به رژیم از بین میرود.

انجمن اسلامی سایپا، مرکز توطئه و جاسوسی

انجمن اسلامی سایپا که از جزی ها و توده های منفور تشکیل شده است تعداد ۶۰ - ۷۰ نفر هستند این روزها بعنوان یک تازدر

کارخانه عمل میکنند و نقش درجه اول را دارند بطوریکه حتی مدیریت و بسیج و سپاه پاسداران کارخانه (که ۸ نفر مسلح هستند) و شورای اسلامی همگی زیر علم انجمن و از طریق آن کارهای خود را پیش میبرند. انجمن اسلامی بطور علنی و فعال دست به هر کاری میزند و مسئله ای نیست که انجمن اسلامی از آن بی اطلاع باشد. انجمن نیات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را در کارخانه اجرا میکنند و بکار گرفتن روشهای متفاوت، تشدید استثمار کارگران، کاهش خواسته های اقتصادی و در آسودگی آنها، جلوگیری از رشد کارگاه کارگران و ایجاد تفرقه در میان آنها و مانع از متشکل شدن آنها را هدف قرار داده است. انجمن اسلامی کارخانه از هر طریق که بتواند بوسیله زور و ترس و ارباب و بوسیله فریب با تبلیغات مذهبی سخنرانان حزب الهی و عمال رژیم ارتجاعی سعی در موفقیت خود دارد. انجمن اسلامی و مدیریت مخالفین خود را که در سرپرستی سرکارگری و مدیریت با شند، جای نموده و عوامل خود را جای آنها قرار میدهد، پس اینکه با ترساندن آنها و با استفاده از تفاذیب کارگران و این جماعت های سرمایه، سعی میکنند آنها را مطیع خود نمایند بلکه راحت تر به کمک آنها شیر جان کارگران را بکشد. انجمن اسلامی تاب تحمل کوچکترین مخالفتی را ندارد و عناصر فرصت طلب و ضد کارگری و لیبرالی را هم که در شورای ارتجاعی کارخانه وجود دارند چشمپندارند و بیعتند. گرچه شورای اسلامی و این عناصر لیبرال ماهیت ضد کارگری خود را مدت ها است به کارگران نشان داده اند و همیشه با انجمنی هادر سرکوب کارگران همکاری کرده اند ولی به دلیل اینکه حزب الهی نیستند از نظر انجمن اسلامی میبایست برکنار شوند به همین خاطر انجمن قصد دارد یک شورای مد در حد حزب - الهی را بوسیله وزارت کار در کارخانه بوجود بیاورد و با کارگران در مقابل انجمن چگونه درجه و وضعیت هستند. اول اینکه انجمن اسلامی متفوق کارگران است و آنرا بمعنی کامل کلمه لانه جاسوسی می شناسد. چرا که هر روزه با چشم خود می بینند که اعضای انجمن اسلامی در خط تولید و رستوران و غیره علنا ایستاده و حرکات و حرفهای کارگران را دیده و میشوند و گزارش میدهند. کارگران انجمنی ها را از خود نمی دانند و آنها را از میان خود طرد نموده اند. اعضای انجمن درین کارگران انگشت نما هستند و بطوریکه وقتی چند کارگر با هم صحبت میکنند که

محض دیدن یکی از افراد "انجمن" جاسوسی - بهمدگر علامت میدهند که "انجمن آمد" یا اینکه "حزب الهی آمد" که این خود طرد عناصر انجمن از نظر کارگران را نشان میدهد. نفرت کارگران از انجمن اسلامی بعدی است که کمتر اتفاق می افتد کسی با آنها مراجعه کند و یا اینکه با آنها وارد بحث شود و متقا - لا انجمنی ها هم دیگر برخلاف گذشته وظیفه آراش را برای خود قائل نیستند و خوب میدانند که دیگر دستشان برای کارگران رو شده و آراش آنها در کارگران موثر نیست. اعضای انجمن حتی جرأت نمیکند با سرویس کارگران به خانه شان بروند.

علاوه بر جاسوسی در بین کارگران و مرستاندن پاسداران کارخانه برای دستگیری کارگران، انجمن اسلامی با بیادست به کار رهای دیگری هم برای پیش برد اهداف خود میزند. برای مثال چند وقت پیش موقع نماز یک مرتبه انجمنی ها اعلام کردند که در "رستوران" سبب کار گذاشته اند و مانع آمدن افراد به محل رستوران میشوند و ظاهرا برای گشتن بدنبال بسم بود. است ولی کارگران می گفتند که این یکی دیگر از حیل های انجمن اسلامی است که با این وسیله میخواهد گشتن لباس و اناشیه کارگران را توجیه کند.

آوردن سخنرانان حکومتی و آخوندان وسیله دیگری است که انجمن اسلامی بر علیه کارگران و برای فریب آنها بوسیله تبلیغات مذهبی بکار میبرد. اما با این وجود به غیر از تعدادی از کارگران عقب - افتاده کسی جذب فریبکاری و حیل - های آنها نمیشود و ماهیت واقعی انجمن در نزد توده کارگران کارخانه به عنوان لانه جاسوسی و توطئه و خیانت شناخته شده است. کارگران با بیادیده اند که انجمن اسلامی افراد بسیج کارخانه را که ظاهرا برای رفتن به جبهه جنگ تعلیم نظامی دیده بودند ولی عملا برای سرکوب کارگران و نظا هرات خباثانی نیروهای سیاسی و مردمی فرستاد. افراد بسیج که جمعا ۳۶ نفر هستند در شب ۸ نفرشان برای گشت به اتوبان تهران - کرج ما موریت میروند و در همین نظا هرات اخیر محاذیین خلق در پنجم مهر ماه (یکشنبه) بصورت مسلح به خیابانهای شهر رفتند و یکی از آنها هم کشته شده بود. با این واقعیات کارگران با بیاد ماهیت واقعی انجمن و بسیج را نه بنفع خودشان، بلکه به نفع حکومت سرمایه داری حاکم میدانند.

نان، مسکن، آزادی

رویز یونیسیم آراسته پانوما ریف و بازتاب آن در میان ساقتر یستها (۴)

مسئله دوران و گذار مسالمت آمیز

ما تا بدینجا ثابت کردیم که پانوما ریف دشمن دیکتاتوری پرولتاریا و دمکراسی پرولتاری بوده و شوروی امپریالیسم لنینی را تعریف نموده است. او با پوشاندن تضادهای عمیق سرمایه داری مالی امپریالیسم را مشاطه گری کرده و انقلاب پرولتاری را به نتیجه ناگزیر عصر امپریالیسم را نفی می نماید. پانوما ریف بر اساس خط مشی روئیزیونیستی - امپریالیستی خویش نمیتواند ضدیت خود با انقلاب سوسیالیستی و نیز با استقلال واقعی و آزادی راستین خلقهای جهان را به نمایش بگذارد. تنها کسانی میتوانند مدافع انقلاب پرولتاری و نیز استقلال و آزادی خلقهای ستمدیده به شمار آیند که دشمن سرخ را امپریالیسم باشند، تنها کسانی میتوانند پشتیبان انقلاب پرولتاریا و خلقها باشند که با بورژوازی و امپریالیسم مبارزه انقلابی بر خیزند. دشمنی با امپریالیسم به مبارزه انقلابی برای نجات پرولتاریا و برای خلقها و نابودی اسارت خلقها می انجامد. حال آنکه پانوما ریف نه تنها مدافع و ستار امپریالیسم است، بلکه علاوه بر آشکارا بر علیه انقلاب پرولتاری در کشورهای سرمایه داری است و ستیزی ملی و اسارت زحمتکشان کشورهای تحت سلطه را مورد تأکید قرار میدهد.

همانطور که در قبیل مختصر بیان داشتیم پانوما ریف در برخورد به کشورهای سرمایه داری امپریالیستی بر آن است که در این کشورها نه انقلاب قهر آمیز پرولتاریا نشی بر علیه بورژوازی بلکه همراه با بورژوازی مبارزه مسالمت آمیز با رلمانتر ایستی بر علیه "حاکمیت انحمارات" مطرح است. پانوما ریف در ادامه این خط مشی سازش طبقاتی معتقد است که در کشورهای تحت سلطه نیز میتوان بدون گذار از سرمایه داری و بدون انقلاب و جنگ طبقاتی به سوسیالیسم رسید. او مانند همه روئیزیونیستهای خروشنجی سازش طبقاتی و نفی انقلاب را فقط محدود به کشورهای سرمایه داری نمیکند، او این تفکر ضد انقلابی را بسط داده و آنرا به قانون - سدی عمومی تحولات جهانی و

منجمله کشورهای تحت سلطه در می آورد. در نزد پانوما ریف سازش طبقاتی و ضدیت با انقلاب یک سیستم ایده شلوژیک عمومی را تشکیل میدهد که اگر وجهی از آن در رابطه با کشورهای سرمایه داری قرار میگیرد وجه دیگر آن در رابطه با کشورهای وابسته مشخص میشود. به معنای دقیق تر اگر گذار مسالمت آمیز با رلمانتر ایستی در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی - به مثابه راه کسب قدرت و برقراری سوسیالیسم مطرح است، - نیز در روئیزیونیستی راه رشد غیر سرمایه داری، به مثابه طریق کسب قدرت و ستگیری بسوی سوسیالیسم برای کشورهای تحت سلطه طرح گردیده است. نیز راه رشد غیر سرمایه داری یک تئوری نواستعماری برای به انقلاب در آوردن خلقها و سرکوب انقلابات رها شیبش ملل ستمدیده می باشد، کما نیکه مدافع این تئوری امپریالیستی هستند. ما رکیست نیستند و هرگز و هرگز نمیتوانند پشتیبان انقلاب و آزادی خلقها باشند. با "راه رشد غیر سرمایه داری" یا راه انقلاب و آزادی؟ راه اول به انتخاب انقلاب دوستگیری و تشدید استعمار می انجامد و راه دوم به انتخاب آزادی و دمکراسی انقلابی برای توده ها منجر میشود. راه اول به تحکیم سرمایه داری و امپریالیسم و راه دوم به هموار ساختن پیروزی سوسیالیسم ختم میشود.

در سطح جنبش ما، تبلیغاتی وجود دارد مبنی بر این که پانوما ریف مخالف تئوری "راه رشد غیر سرمایه داری" است و همین تبلیغات نیروهای ساقتر یستها پیگیر جنبش چپ را به وجد آورده است که با لایحه "جناح انقلابی" روس ها "برآمد" پیدا کرده و میتوان امید داشت که "برخی اشتباهات و انحرافات گذشته" مرتفع گشته و با قاطعیت بیشتری، شوروی را به "مبشر آزادی خلقها" به زحمتکشان نشان داد. در واقع ساقتر یستها برای پوشاندن گرایشات روئیزیونیستی فزاینده خود، در پی کشف روئیزیونیسم انقلابی (!؟) میباشند. حال آنکه روئیزیونیسم روئیزیونیسم است و روئیزیونیستها علیرغم رنگهای گوناگونشان، دشمنان سوسیالیسم و انقلاب و

فدا انقلابیون بورژوازی نیستند. پانوما ریف همانند خروشنجها و برژنفها، روئیزیونیست خیانتکاری بیش نیست و برخلاف "روپا های شیرین" ساقتر یستها، مدافع تئوری امپریالیستی "راه رشد غیر سرمایه داری" بشمار می آید. او از حقانیت جنبشهای آزادیبخش و انقلاب خلقها "و ضرورت رهبری طبقه کارگر صحبت میکند، اما در مثنی و کردار طبقه ای خود ثابت مینماید که مدافع "راه رشد غیر سرمایه داری" است و از حقانیت خلقها است. ما در اینجا قصد آن نداریم که بر اساس نظریات تئوریسین های روئیزیونیست روسی تئوری "راه رشد غیر سرمایه داری" را وسیع مورد نقد قرار دهیم. ما این وظیفه را که امری خطر و حیاتی بشمار می آید به آئینده موکل مینماییم. اما در پی آن میبایست به طور مختصر نشان دهیم چرا تئوری "راه رشد غیر سرمایه داری" تزیی قدما رکیستی و امپریالیستی است و چگونه پانوما ریف علیرغم تمام عوامفریبی ها و مانورهایش بدان معتقد می باشد. تئورهای انقلابی "راه رشد غیر سرمایه داری" پس از کنگره بیستم حزب شوروی در زمانیکه جریان بورژوا - روئیزیونیستی به سرکردگی خروشنج مرتد بقدرت رسید مطرح گشت قبل از نقادان تئوری "راه رشد غیر سرمایه داری" لازم است بیش درآمدهای تئوریک آنرا مورد انتقاد قرار داد تا بتوان به روشنی به ماهیت امپریالیستی و روئیزیونیستی این تئوری پرد. و اما این بیش درآمدها کداند؟ روئیزیونیستها و منجمله پانوما ریف مطرح میباشند که پس از جنگ جهانی دوم که همزمان با بقدرت رسیدن روئیزیونیستها در شوروی است، جهان کنونی به "دوران سوسیالیسم" رسیده است و عصر امپریالیسم پایان گرفته است. آنها میگویند از آنجا که رشته تغییرات پس از جنگ دوم منجر به تقویت و تفوق اردوگاه سوسیالیسم و تضعیف قوای امپریالیسم گردیده توازن قوا در سطح بین المللی شدت تغییر یافته و بر اساس این تغییر در توازن قوا امکان بوجود آمدن بدون انقلاب به

روئیزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

سوسیالیسم دست یافت.

رویز یونیونستها مطرح میبازند قدرت فاشیست اردوگاه شوروی بورژوازی را در حرکت خود بشدت محدود ساخته و مرکز را مسالمت آمیز تسهیل گشته است. از نظر آنها دهه شصت به سبب وزنه تمهین کننده شوروی و تحت تاثیر قدرت رشد یافته سوسیالیسم در کشورهای سرمایه داری "جریبهای مثبت سیاسی" پدیدار گشته و به همین جهت امکان گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم در این کشورها فراهم گردیده است. از نظر آنها نه تنها با اتکا به "وقایت مسالمت آمیز" بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری، میتوان با زارهای امپریالیسم را تحت نفوذ و تسلط خود در آورد و امپریالیسم را شکست اقتصادی داد، نه تنها برای اساس "همزیستی مسالمت آمیز" بین اردوگاه سوسیالیسم و اردوگاه سرمایه داری میتوان "سیاست صلح دائمی" را پیش برده و از خلعها و تملقات جنگ طلبانه امپریالیستها جلوگیری نمود، بلکه علاوه بر این از جنگ طبقاتی و انقلاب قهرآمیز خودداری کرده و با بدست آوردن اکثریت کرسیهای پارلمان بورژوازی بتدریج با وضع "قوانین مترقی و سوسیالیستی" بورژوازی را از قدرت ماقط نموده و قدرت سوسیالیستی را مستقر ساخت.

در همین رابطه خروش جف در گزارشی به کنگره بیستم چنین میگوید: "در انقلاب اکتبر در شرایط تاریخی زمان خودیگانه راه صحیح بود. ولی در حال حاضر وضع تغییر کرده و امکان دارد از طریق پارلمان گذار سرمایه داری به سوسیالیسم انجام میگردد و با احراز اکثریت در مجلس و تبدیل آن به ارگان قدرت توده و موجودیت یک جنبش انقلابی داخل کشور، به معنای درهم شکستن ماشین نظامی و بوروکراسی بورژوازی و تشکیل یک دولت پرولتری نوین توده ای در شکل پارلمان است. "پانوما ریف در تائید همین نظر میگوید: "پیدا شدن فرصت و احتمال موفقیت بیشتر برای انقلابهای نسبتاً مسالمت آمیز در اوضاع جدیدی که از دهه پنجاه شکل گرفته است. چنین انقلابهایی بدون قیام مسلحانه و نسبت به شرایط مشخص هر ناحیه متضمن بکار گرفتن تمامی اشکال مبارزه برای نیل به سوسیالیسم است، ممکن است بوقوع پیوندد. (آموزش زنده و خلق مارکسیسم لنینیسمی ۸۲)

همانگونه که ملاحظه مینمائیم خروش جف و پانوما ریف تغییرات در توازن قوا را مستقیم قرار داده و از اهمیت سرمایه داری و بورژوازی تجدید نظر میکنند. پانوما ریف از

این تغییرات نتیجه میگرداند تفادهای طبقاتی تخفیف یافته و بنا بر این مبارزه طبقاتی جای خود را به آشتی طبقاتی سپرده و بنا بر این قیام مسلحانه الزامی نیست. اما پراستی این تغییرات چیست؟

پانوما ریف از یک اصل حرکت میکند و آن اینست که دوران کنونی "دوران سوسیالیسم" است و همانطور که در کتاب "سوسیالیسم و اقتصاد موجود و نقش و اهمیت بین المللی آن" آمده پانوما ریف مطرح میبازد شوروی "تجسم سوسیالیسم" واقعاً موجود میبازد و بنا بر این باید از نقش سوسیالیسم بعنوان تکیه گاه اساسی صلح و نیروی عمده مبارزه و مقابله با امپریالیسم و سیاست تجاوزکارانه و ضد خلقی آن، صحبت نمود و بر این اساس اعتراف کرد که: "سوسیالیسم واقعاً موجود به عمل اساسی تکامل جهان تبدیل شده است. (تاکید زماست) به بیان دیگر در "دوران سوسیالیسم" در موقعی که شوروی وزنه تمهین کننده را بخود اختصاص داده، "ما مل اساسی تکامل جهان" نه انقلاب و مبارزه طبقاتی بلکه تکیه بر شوروی امپریالیستی است!

اولین تحریف پانوما ریف و سوسیالیستهای مرتد اینست که آنها با طرح "دوران سوسیالیسم" در پی نفی انقلابات پرولتری میباشند. از نظر ما کمونیستها و بر اساس ماتریالیسم تاریخی، امری مسلم است که سرمایه داری به مرحله گندیده و مرده یعنی امپریالیسم رسیده و محکوم به زوال و نابودی است. از نظر ما مارکسیست-لنینیستها، امروز دوران تاریخی جهانی سرمایه داری برآمده و تنها آلترناتیو انقلابی، سوسیالیسم است. به بیان دیگر تنها سیستمی که مبین دوران تاریخی و جهانی جدیدی در تکامل جوامع بشری بوده و میتواند جایگزین سرمایه داری گردد فقط سوسیالیسم است.

بنا بر این بطور عموم، دوران تاریخی سوسیالیسم آغاز گردیده است. دورانی که از طریق بسط انقلابات پرولتری و پیروزی آنها تنها کمونیسم به پیش میرود. اما مسئله بسیار اساسی و مهمی که نبا بدست فراموش کرد اینست که ما همانطور که لنین میگوید کماکان در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری بسر میبریم. بدین معنا که امپریالیسم عورتا ریخی اش به پایان رسیده لیکن هنوز ممتدا به واقعیت جهان کنونی وجود دارد و باید این واقعیت را بجای آن واقعیت درخشان سوسیالیسم را مستقر نمود. رویز یونیونستها مرتد چنین وانمود میبازند که گویا با انقلاب اکتبر دیگر شعار لنین کهنه شده، عصر امپریالیسم پایان یافته

و انقلابات پرولتری لزوم خود را از دست داده است. حال آنکه چنین نیست. امروز ما در دوره ای بسر میبریم که امپریالیسم حیات و تسلط دارد و پرولتاریا و حاکمیتش جهان آنرا با بدسرنگون سازند. لنین در کتاب "امپریالیسم به بالاترین مرحله سرمایه داری" در پیشگفتار ۲۶ آوریل ۱۹۱۷ یعنی قبل از انقلاب اکتبر مطرح ساخت: "امپریالیسم است! انقلاب سوسیالیستی است!" و در پیشگفتار ۶ ژوئیه سال ۱۹۲۰ یعنی پس از پیروزی انقلاب نیز مطرح ساخت: "امپریالیسم است! انقلاب اجتماعی است!" این حقیقت از سال ۱۹۱۷ در مقیاس جهانی ثابت شده است.

در حقیقت انقلاب اکتبر نخستین ضربه مهلک علیه امپریالیسم و نخستین پیروزی درخشان پرولتاریا در راه نابودی امپریالیسم و سرمایه داری بود. انقلاب اکتبر شکاف در سیستم جهانی سرمایه داری بوجود آورد. لیکن این امر بمعنای محو نابودی امپریالیسم و تغییر ماهیت امپریالیسم و تغییر عصری که در آن بسر میبریم، نبود. لنین در توضیح مقام انقلاب اکتبر مطرح میبازد: "ما اینجا را شروع کرده ایم و اما اینجا را چه موقع و طی چه مدتی و پرولتاریا چه اقدامی این امر را به سرانجام خواهد رساند، مسئله اساسی نیست. مسئله اساسی آنست که بخاک از خاکنده شده و بحرکت درآمده است. جاده باز شده راه نشان داده شده است... نخستین انقلاب بلشویکی نخستین صد میلیون مردم روی زمین را از جنگ جنگ امپریالیستی و جهانی امپریالیستی بدر آورد. انقلابهای بعدی تمامی بشریت را از جنگ چنین جنگ جهانی بدرخواهند کشید (بمناسبت چهارمین سالگشت انقلاب اکتبر ۱۹۲۱ - تاکید از ما است)

بنا بر این تمام بحث لنین اینست که با انقلاب اکتبر، انقلابات شروع شده اند و تخریب عملی جهان کهن آغاز شده است ولی این انقلابات و این تخریب باید ادامه یابد. ما پیروان راه لنینیسم معتقدیم تنها آلترناتیو تاریخی در دوران معاصر سوسیالیسم است، در اعتقاد ما امپریالیسم سرمایه داری وجود دارد و باید از طریق انقلابات قهرآمیز توده ای بساط آنها را درهم کوبید، ما بر آنیم که عصر امپریالیسم است و "امپریالیسم است!" انقلاب اجتماعی پرولتاریا است. "و ما تمام پرولتاریا و خلقهای جهان را به ادامه و بسط انقلابات فرا میخوانیم. اما سوسیالیسم "است. اردوگاه شوروی

«سوسیالیسم واقعاً موجود» میباید شود نیروی اساسی و تعیین کننده دوران است و بنا بر این انقلاب پرولتری و مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم لزوم خود را از دست داده است. رویزیونیستها میگویند «انقلابهای بعدی ضرورت خود را از دست داده زیرا شوروی نقش اساسی پیدا نموده بنا بر این کارگران جهان نه به قدرت خود، بلکه به قدرت شوروی با پیدا تکاء، نمایندند زیرا شوروی «ملح و آزادی» را برای کارگران به ارمغان میآورد.

پرواضح است، زمانیکه انقلاب سوسیالیستی در یک کشور پیروز میشود، پرولتاریای پیروزمند وظیفه دارد تا با تمام قوا علیه پرولتاریای کشورهای دیگر مدد و یاری رساند، انترناسیونالیسم پرولتری جز حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی همه جا نبوده از انقلابات چیز دیگری نیست. ولی مسئله مورد مشاجره اینست که آیا انقلابات در صورت وجود یک و یا حتی چند کشور سوسیالیستی متنافسی میگردند؟ آیا کارگران و زحمتکشان خود دنیا بدفع لانه در جهت سرنگونی بورژوازی و نابودی امپریالیسم به جنگ مسلحانه دست زده و انقلاب نمایند؟ از نظر ما رگسید در عصر امپریالیسم از یک سو پرولتاریا و زحمتکشان باید برای انقلاب بپا خیزند، کارونهای انقلاب و سوسیالیسم را گسترش بخشند و از سوی دیگر کشور سوسیالیستی باید بنوبه خود به پشتیبانی فعال از این انقلابات برخاسته و از مریضه و پیروزی انقلاب جهانی را تسهیل نماید، اما این امر هرگز به این معناتیب که مبارزه طبقه کار و انقلاب توده ها نفعی با دیگر دارد.

دومین تحریف رویزیونیستها اینست که آنها میگویند انقلاب اکثر در زمان خود درست بود، حال آنکه در شرایط کنونی جهانی فرصت و احتمال موفقیت بیشتر برای انقلابهای نسبتاً ممالمت - آمیز بوجود آمده و از طریق پارلمان میتوان سوسیالیسم رسید. تمام بحث لندن درباره امپریالیسم اینست که، امپریالیسم یعنی سرما به داری گندیده، یعنی بسط ارتجاع سیاسی و یعنی تحکیم ماشین بوروکراتیک - نظامی. لنین میگوید: «وجه تفا بزا امپریالیسم بعلت ختمهای اساسی اقتصاد آن، حداقل ملحدوستی، حداقل آزادی و حداکثر رشد عمومی میلپنا ریسماست. نفهمیدن این مطلب هنگامیکه مسئله گذار ممالمت آمیز یا قهرآمیز را بررسی میکنیم، در حکم تنزل به سطح متزلزل ترین دست نشاندگان بورژوازی است (انقلاب پرولتری و کارشکنی مرتد). اما رویزیونیستها از آنجا

که مشاطه گرا امپریالیسم میباشند، بجای بسط ارتجاع سیاسی و تحکیم ماشین دولتی و رشد میلپنا ریسما بسط دمکراسی و دمکراتیزه شدن دولت امپریالیستی را میبینند و بجای تاکید بر انقلاب، گمگذار ممالمت آمیز را مطرح میباشند. رویزیونیستها تشدید تفا دههای طبقاتی را تخفیف تفا دههای طبقاتی حار زده و بر این اساس دشمن طبقاتی را همدستان طبقاتی معرفی مینمایند. رویزیونیستها دولت بورژوازی بمشابه تجلی تفا دههای آشتی ناپذیری طبقاتی را نفی کرده و بنا بر این نه تخریب و انهدام قهرآمیز ماشین دولتی، بلکه استفاده از پارلماناریسم بورژوازی را مطرح میباشند.

مبارزه طبقاتی و انقلاب قهرآمیز، قانون عمومی و بیشرافست جوامع بشری است، حتی بفرض محال اگر شوروی واقعا رز هنوز سوسیالیست بودند، انقلاب نمیتوانست نفی گردد، زیرا احاطه سرما به داری و دژ امپریالیسم هنوز با برجا بود. انقلاب از طریق ممالمت آمیز بمشابه یک احتمال فقط در شرایطی میتواند مطلق با شد که اردوگاه جهانی سوسیالیسم بطور اساسی و تعیین کننده در برابر اردوگاه سرما به، قدرت فاشی را تشکیل دهد و سرما به داری کاملاً در محاصره سوسیالیسم قرار گیرد. امری که در حال حاضر به هیچ وجه واقعیت خارجی ندارد و حتی اگر تمام کشورهای سابقا سوسیالیستی هنوز در اردوگاه سوسیالیسم قرار میدادند شرایط انقلاب ممالمت آمیز فراهم نبود. در دوره پس از جنگ جهانی سوسیالیسم دوم، هنگامی که اردوگاه نیرومند و درخشان سوسیالیسم و درراس آن شوروی سوسیالیستی برهمنری رفیق استالین وجود داشت، در حالیکه این اردوگاه بنیان انقلاب جهانی پرولتاریائی را تشکیل میداد و از قدرت عظیم برخوردار بود، رفیق استالین و احزاب کمونیست هرگز از «گذار ممالمت آمیز» انقلاب ممالمت آمیز صحبت نکردند، زیرا واقعیت همین جوامع، سطح تناسب قوا و سطح تکامل و پیشرفت انقلاب جهانی چنین حکم نمیکرد. و پرواضح است امروز که اکثر کشورهای سابقا سوسیالیستی مانند شوروی، چین، کشورهای اروپای شرقی و... به اردوگاه سرما به داری جهانی ملحق گشته اند صحبت از «گذار ممالمت آمیز» حزبک تحریف شدنا دانسه در مارکسیسم لنینیسم و یک دروغ بیداری مریکا را نه چیز دیگری نیست.

بدین ترتیب با نوما ریسف و ما پروریزونیسمهای روسی با طرح پیش درآ مدشوریک خودمسنی بر سوسیالیسم واقعاً موجود بمشابه «عامل اساسی تکامل جهان» درسی آندند تا انقلاب سوسیالیستی را در

کشورهای سرما به داری نفی نمایند آنها میخواهند نمودا زندگی عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری سپری شده و امروز «دوران سوسیالیسم» است. دورانی که سوسیال امپریالیسم شوروی نقش قاطعی در سیر تحولات جهانی دارد و بنا بر این انقلاب قهرآمیز پرولتاریائی در کشورهای سرما به داری بمشابه یک اصل، ضرورت خود را از دست داده است.

حال اگر رویزیونیسمهای مرتد، گذار ممالمت آمیز را سرما به داری به سوسیالیسم برای کشورها ی سرما به داری و امپریالیستی مطرح میباشند، برای کشورهای تحت سلطه نیز راه رشد غیر سرما به داری «راطرح می نمایند. از نظر این خائنین به سوسیالیسم اگر کشورهای امپریالیستی از طریق گذار ممالمت آمیز و پارلماناریسم میتوانند به سوسیالیسم برسند، کشورهای تحت سلطه از طریق راه رشد غیر سرما به داری «میتوانند به سوسیالیسم دست یابند. در واقع نیز رویزیونیستی «راه رشد غیر سرما به داری مکمل تز گذار ممالمت آمیز است. سوسیال امپریالیسم شوروی مدافع اساسی و سرزدگی تمام پرولتاریا و خلقهای جهان است و به همین لحاظ نه تنها با تز رویزیونیستی گذار ممالمت آمیز پرولتاریای کشورهای امپریالیستی را به سازش طبقاتی و دفاع از سرما به داری دعوت میکند، بلکه همچنین با تز نوا ستعما ری «راه رشد غیر سرما به داری» کارگران و خلقهای کشورهای تحت سترا به سازش طبقاتی و دفاع از بورژوازی و امپریالیسم فرامیخواند. و اما جوهر حقیقی تز راه رشد غیر سرما به داری کدام است و رویزیونیستها چه هدفی از ارائه این تز ضد انقلابی تعقیب میکنند؟

«آدمه دارد»

بقیه از صفحه ۱۳ رفیق شهید.....

آنجا گردآ مد بودند، حمله میبرند، و آنها را زخمی میکنند و با رگبار گلوله و جوق و جاق ماشینهای آنها را درهم میشکنند.

باری رفیق مرگ سرخ را بریندگی ننکین ترجیح داد و عاشقانه در برابر شکنجه های بیشترانه دژ خیمان رژیم جمهوری اسلامی، مقاومت نمود و سرانجام سرافراز به پای جوخه اعدام رفت و جان خود را فدای راد سرخش نمود. مطابق برخی اخبار غیر موثق رفیق در زیر شکنجه به شهادت رسیده و رژیم بدروغ نام وی را جزو تیرباران شدگان اعلام نموده است.

یادش گرامی و راه سرخش با پدا رساد.

اخبار مبارزات توده‌ها



**بندرعباس پیورش از تجماع حاکم
به دیکتاتوران زحمتکش!**

**حمله رژیم به خانواده
زندانیان سیاسی**

پیش از پانزده روز است که
حکومت ضد مردمی جمهوری اسلامی

این دشمن خونی کارگران و زحمت-
کشان هجوم دم نشانده خود را به دیکه
داران زحمتکش شروع کرده است

و در این حملات مزدوران رژیم اقدام
به تاراج و سائل دیکه داران و درهم
شکستن دیکه‌های آنان کرده اند.

جریان از این قرار بوده است...
اما جمعه بندرعباس حجت الاسلام
حیدرزاده، دستوری مبنی بر جمع
آوری دیکه‌ها صادر میکند، که این
عمل توسط پاسداران اوباش و حویره
- خواران شهربانی و شهرداری به
اجرا درمی آید. این مزدوران در
حمله به دستفروشان علاوه بر تاراج
اجناسان، دیکه‌هایشان را نیز بر
سرشان خراب میکنند.

در تاریخ ۶/۲۲/۶۰ دیکه داران
کنار رگمک توسط مزدوران رژیم
سرما به داری جمهوری اسلامی مورد
حمله مغول و ارفزار میگردونتنها
وسيله امرار معاششان بزرگشان
خراب میشود. پیرمردی میگفت: "ای
کاش خانه مرا خراب کرده بودند ولی
محل کار مرا نه". دیگری میگفت:
"بمن میگویند، برو محل خودت کار
کن، مگر ما خارجی هستیم، من هفت سر
عاشقه دارم. مجبورم اگر این شهر
نشد، بروم شهر دیگر".

از طرف آستانداری بندرعباس
اطلاع داده شده که جنگزدگانی که در
خانه‌های چهل دستگاه ۲۲ بهمن
میا شدند، باید آنجا را تخلیه کنند.
(الزم به گفتن است که بعد از جنگ
خانه‌ها هنوز سرما به داران، برخی از
زحمتکشان جنگزده در این خانه‌ها
ساکن شده اند.) جنگزدگان به
حرفهای آستاندار مکتبی! اعتنا نای
نکرده و میگویند که ما خانه نداریم
و ما تا وقتی که جنگ تمام نشده خانه
و کاشانه خود را نمیگردیم و در این
خانه‌ها خواهیم ماند.

حدود ساعت پانزده تا پانزده و نیم
رسیدیم به زندان که دیدیم عده‌ای
شنا بان بر میگردند. حویشا شدیم،
معلوم شد که از صبح ساعت خانواده
- های زندانیان سیاسی به خیال
اینکه عید است و شاید زندانیان
اجازه دهند فرزندان شان را ملاقات
بکنند جلوی زندان اجتماع میکنند.
بعد از اینکه تعداد خانواده‌ها زیاد
میشود و همگی خواستار ملاقات
فرزندان شان میشوند گویا ترس
برشان می‌دارد و میگویند ملاقات
نمیدهم بیخود منتظر شوید. چند
خانواده جنگزده با اصرار خواستار
ملاقات میشوند که میگویند چون شما
جنگزده هستید ملاقات میدهم و
بقیه را با تیراندازی هواشی
و زدن با قنداق تفنگ از محل دور
میکند و خلاصه بجای ملاقات گلوله
تحویل مردم میدهند. مردم هم شاید
بخوا طرا اینکه برای بچه‌هایشان بد
نشود جلوی زندان را ترک میکنند و
بر میگردند.

**درس‌للهای "ظالم آبله" رژیم
چهمی گذرد؟**

با رسیدن زمان انتخابات
ریاست جمهوری، فشار شکنجه و تهدید
زندانیان سیاسی برای کثاشندن
آنان بپای صندوق رای چندین
برابر شده ولی انقلابیون دربند که
بطور دسته جمعی و یکپارچه از داد
رای خودداری کرده اند تا تحمل
و استقامت قهرمانانه خود را در
محکمی بدان جلادان حکومتی زده اند.
از طرف دیگر وضع غذا و بهداشت
زندانیان سیاسی بسیار نا عید
است بطوریکه ۱۹ عدد نان برای ۹۰
نفر زندانی تعیین شده و از نظر
درمانی حتی اگر مریضی شهاب از
درد بخوبی بچد نه‌ای قرص ممکن
برای تسکین درد به او داده نمیشود
انقلابیون اسیر بطور دسته -

جمعی و متحد از دادن رای خودداری
کرده اند و برای همین، مورد شکنجه
و آزار هر چه بیشتر قرار گرفته اند و از
طرف دیگر پاسداران خانواده‌های
آنان را تحت فشار گذاشته و به آنان
فحش و تازی می‌دهند و از ملاقات
خانواده‌ها جلوگیری مینمایند،
ولی برخورد انقلابی خانواده‌ها
خود بهترین پاسخ برای آنان است.
پاسداری با خشونت به پدری که از
زندانیان میگوید: فرزندش برای
نداده و او با رعایت جواب میدهد:
"فرین به فرزندم، اگر او برای شما
رای میداد من خودم قلم‌ها را
خرد میکردم و اگر آزاد میشد او را به
خانه‌ها می‌فرستادم". اما بهینیم
اکثریت‌های خاشن چه میکنند. دو
تن از سردمداران این خاشنین در
شیراز، بنام حشمت الله رشیدی و
داریوش جعفری برای شناسایی و
دستگیری کمیونست‌های واقعی و
افراد مبارز و ما با عوامل رژیم
تماس گرفته و با آنان همکاری
مینمایند. خاشنین اکثریتی در
زندان برای سرکوب زندانیان
مبارز به رژیم طرح‌ها ارائه میدهند،
شنگشان باد.

اما مبارزه و مقاومت ما نندهر
جای دیگری در زندان نیز به
قهرمانانه‌ترین شکلی ادامه دارد.
رزمشان پر شور و پر شور تر باد.
در حمایت از کمیونست‌ها و
انقلابیون دربند فریاد
خود را بلندتر کنیم.
به نقل از خبرنامه محلی پیکار
"شیراز"

درس‌نگر مدرسه

★ روز دوشنبه ۶۰/۲/۲۰ صبح به
مدرسه پیشا هنگ (در غرب تهران)
خبر میرسد که یکی از همواداران
مجاهدین رژیم جمهوری اسلامی
اعدام کرده است. زنگ اول مدرسه
بدلیل این خبر حالت عادی خود را
از دست میدهد. در زنگ تفریح مسئول
امور تربیتی سخنرانی میکند و
مطرح می‌آورد که اعدام‌ها مورد تأیید
ماست. در این موقع اکثر محصلین
مبارزان را هو می‌کنند. بر اساس این
جواب اعتراضی ساعت ۱۲ ظهر عده‌ای از
محصلین مبارزان با شعار "محمل
بپا خیز همسنگرت کشته شد"، "اتحاد
مبارزه، پیروزی"، "زنده و جاوید
با دیا دشیدان خلق"، حدود ۱۵ نفر
را بسیج میکنند و تظاهرات می-
نمایند. علاوه بر محصلین شرکت-
کننده پیش از ۳۰۰ نفر محمل نیز از
این اقدام مبارزاتی حمایت کرده
و تاشید می‌نمودند.

★ در مدرسه گوهر پرور ۳۰۰ نفر را
اسم‌نمی نویسد و بدلیل این عدم
اسم نویسی فعالیت سیاسی

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

نا رها بستی و اعتراض را در میان مردم بوجود آورده است . شیراز :

رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی و جنگ ارتجاعی که بصورت فروخته است جز مرگ و بدبختی و فقر و فلاکت و در بدری برای مردم ایران نداشته است گزارش کوتاه یکی از رفقا از شیراز گوشه ای از این گرامات شکست بار رژیم را نشان میدهد :

روزی چهارشنبه ۲۸ مرداد جلوی بیمارستان حافظیه (اورژانس) یک وانت بار در حالی که دوزخ در عقب آن بودند ایستاد و حدود ظهر بود. یکی از زنهای داخل اورژانس رفت و دیگری عقب وانت ماند جلوی رفتن خود را آتش زده بود. ششم ساعتی گذشت و از آن زن خبری نشد خلاصه با داد و جیداد رفتیم که برانکار در گرفتیم وزن را در کالک فقط انگشتان پایش سالم مانده بود روی برانکار گذاشتیم به محض اینکه روی برانکار قرار گرفت از هوش رفت از دکتر اورژانس درباره جراحات او پرسیدم گفت ۹۶ درصد سوخته است و خواهم مرد .

هنگامیکه بیرون بودیم از او پرسیدم چرا اینکار را کردی گفت جنگ زده هستیم. زیر یک چادر نسوی خاک و کثافت بدون هیچ وسیله ای در این گرما - شوهرم هم بیگانه است و هر روز مرا میزند و میزد بدبختی طاقت نیاوردم و خود را آتش زدم . آری جنگ برای مردم زحمتکش این مملکت جز مرگ و فلاکت ، بدبختی و در بدری چیزی نیست ارمنان نیاورده است . تهران :

۶۰/۶/۱۴ در تقاطع پارک وی فرزند پادشاهان راننده یک تاکسی را که مجاهدی را بدون اطلاع سوار کرده بود (کوپا پادشاهان از شهرک غرب دنبال فریدمجا شد بوده اند که وی سوار تاکسی شده است پادشاهان تاکسی را تعقیب کردند و در تقاطع پست چراغ قرمز او را گرفتند .) زیر کتک و ضربات قنداق تفنگ گرفته زهرآلود بقیه مردم در قبال فریادهای بکیر بکیر پادشاهان که مجاهد را دنبال میکردند اعتنا نداشتند و موفق به فرار گشته بودند پادشاهان در حال فحاشی و کتک زدن راننده تاکسی را بر دند در حالیکه مردم با خشم و نفرت پادشاهان ارتجاع را مینگریستند و می گفتند : واقعا که اینها روی گارد شاهنشاهی را سفید کرده اند .

اخیرا (در تاریخ ۶۰/۶/۱۵) حدود ۲۳ نفر از پرسنل شخصی شهری هوانا را که دارای افکار مترقی و تمایلات ضد رژیم بودند بعنوان مازاد بر احتیاج اخراج کرده اند در قسمت الکترونیک (تلفن و تار) بقیه در صفحه ۱۱

میکنند . از طرف دیگر با اینکه در زندان تهفوس شایع شده بود و حتی بکنفرانس دم مرگ رفته بود مسئولین اطلاعات با این مسئله توجهی نداشتند ولی از موقعی که قرار بود مطلب سرخ به پادشاهان زندان بیاورد مزدوران رژیم شروع میکنند به واکنش زدن .

وضع بهداشتی زندان بسیار کثرت زندانیان بسیار روحشناک است شیش - کم غذائی - نبودجا و مکان برای خواب پیدا میکنند . وضعی که اردوگاه یهودیان در زمان جانان فاشیست هیتلری را بیاد می آورد . همدان :

در هفته آخر مرداد نفر از زندانیان هوادار مجاهدین موقع هوا خوری موفق به فرار از زندان میشوند ولی چون محله را نمی شناسند از منزل یک فالانتر سردر می آورند که یک نفر از آنها در این خانه دستگیر شده ولی بقیه فرار میکنند . پادشاهان ارتجاع که برای بردن مجاهدین آئینه شده بودند ، در حضور مردم کتک زده می شوند و میزنند و از مردم میخواهند که اینگونه افراد را گرفته و تحویل دهند . یکی از پیرزنها محل در جواب میگوید : تحویل بدهیم که آنها را قربانی کنید ؟ تا حالا به اسم اسلام صدها نفر را کشته اند تا کی میخواهند جوانهای مملکت را به جرمهای بچ اعدام کنند . پادشاهان رژیم سرما به که هوا را پس میدهند با جملاتی نظیر اینکه تونمی فهمی شورنداری و محل را ترک میکنند .

از تعداد ۱۵۸ نفر سربازی که جهت خدمت از همدان به کرمانشاه منتقل شده بودند تا به جبهه های غرب اعزام گردند ۱۸ نفر به دلیل شناخت ما هیت خدا انقلابی رژیم از رفتن به جبهه سرباز زدند و از پادگاه کرمانشاه فرار میکنند . رشت :

اخیرا جلوی درگاه رخانه توشیهادر رشت ، داربست بزرگی درست کرده اند و تصویر خمینی را روی آن نقاشی کرده اند که فقط خرج سیمانکاری آن حدود ۲۰ هزار تومان شده است کوپا در آینه می - خواهند عکس خامنه ای مطهری و سایر سردمداران رژیم را نیز نقاشی نمایند . سنقر :

اخیرا ۸۲ نفر از معلمین را اخراج کرده اند که علاوه بر معلمین انقلابی یک نفر توده ای ، ۲۰ نفر به بهانه اعتیاد ، یک حزبی (احتمالا بدلیل اختلافات درونی شان) یک معلم مرده به علت داشتن موی بلند جزو آنها بوده اند این پاکسازی توسط رژیم آموزش و پرورش - بنام داور - که فردی به اصطلاح مکتبی و در واقع مزدور است صورت گرفته است اخراج این ۸۲ نفر موجهی از

معلمین بوده است . ناظم ارتجاعی مدرسه مطرح ساخته است هر کس انقلابی از ۱۵ به پادشاه هیچ مدرسه ای است را نمی نویسد . رژیم ارتجاعی حاکم کوشش میکند با جو خفقان در مدارس حرکت مبارزاتی معلمین را خفه سازد اما این کوششها تلاشهای مذبوحانه ای بهشت نیست دانش آموزان مبارزین جو خفقان را با گسترش اعتراضات و مبارزات توده ای درهم خواهند شکست .

چندی پیش آموزش و پرورش در وقت فراوانی برای پذیرش معلم اعلام میکنند و از طلبین میخواهند تا برای توضیح شرایط پذیرش در آموزش و پرورش جمع شوند . در روز موعود جمعیت زیادی در محل گرد آمدند . شرایط پذیرش با این جملات آغاز شد : "۵ نفر ضد انقلاب و ۵ نفر انقلابی را معرفی کنید . ۱۰ اجتماع کنندگان باشند این شرایط مذکور بی به عیله و بی رنگ رژیم برده و هوکشان محل را ترک کردند .

اخبار و گزارشات

کرمانشاه :

روز ۱۲ مرداد ماه در تنه ها نا توانی شهرک آنها هیتا درگیری بین یکی از مشتریان و نا توانی رخ میدهد . نا توانی به همین علت کار را تعطیل میکند . مردم به ستاد بهزیستی میروند و به خواهی و نسی (یکی از مسئولین آوارگان که فردی حزبی است) رجوع میکنند . خواه میگوید سالی چهار روز نا توانی را میبندم تا سروصدا بخوابد . بعد از ۱۰ روز چند نفر از پیر مردان سرشناس و متعهد محل پیش خواهی و نسی میروند و تقاضای باز کردن نا توانی را میکنند و میگویند : در غیر این صورت با بد برای خرید ۵ تومان به شهر برویم و ۶ تومان کرایه بدهیم که روی هم رفته ۵ تومان نان ، ۱۱ تومان برای نان تمام میشود . خواه و نسی در جواب میگوید باید نام و نشانی غذا انقلابیون را که در شهرک هستند برایشان بیاورید تا نا توانی را باز کنم اما چون مردم با این مزدور همکاری نمی کنند نا توانی همچنان بسته میماند توضیح : شهرک آنها هیتا یک شهرک نیمه تمام است در چند کیلومتری کرمانشاه که در حدود ۱۵ خانوار آواره در بدترین شرایط در آن زندگی میکنند .

طلب سرخ بین المللی او آخر مرداد از زندان دیزل آباد کرمانشاه دیدن میکنند . روزی که قرار بود آنها به بند بجه های زیر ۱۵ سال را به بهانه گردشی و تفریح به خارج از زندان منتقل

یادرفیق شهید محمود حسینی مقدم (سعید) گرامی بلد



دربیک خانواده متوسط در شهرستان دماوند، در سال ۱۳۳۶ متولد شد. رفیق دوران تحصیلات ابتدائی خود را در دماوند و دوران دبیرستان را در دماوند، مل و تهران به پایان رسانید و در این دوران رفیق تاحدودی به کتب مارکسیستی - لنینیستی آشنائی یافته بود و به مطالعات آن ها میپرداخت و سرانجام با عشقی که همواره به زحماتشان داشت، مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان تنها ایدئولوژی طبقه کارگر پذیرا گشت. پس از اخذ دیپلم رفیق در رشته ریاضی - دانشرای شمیران به تحصیل پرداخت و در همین جا بود که بطور فعال به فعالیتهای انقلابی و مبارزاتی روی آورد و با یارانش فعالیتهای سازمانی و فرهنگی را از تشکیل نمازگاه کتاب و عکس و با ترتیب جلسات بحث در دانشسرا آغاز نمود. پشتکاری و شوری که رفیق در این فعالیتهای از خود نشان میداد، موجب گشت که چندین بار از طرف ساواک تحت تعقیب قرار بگیرد. در رابطه با همین فعالیتهای، رفیق چندین بار از جانب مسئولین دانشسرا به اخراج تهدید شد.

در همین دوران رفیق به سازمان پیکار و مواضع انقلابی آن گرایش یافت و سرانجام با یارانش سازمان را بعنوان پیگیرترین سازمان کمونیستی، ارزیابی نمود و به صف هواداران آن پیوست. رفیق در دوران رژیم شاه خائن، پس از پیوستن به صفوف سازمان، فعالتر از هر زمانی به مبارزه پرداخت و هر جا که میتوانست در جنبش اعتراضی توده ها شرکت میجست و نیز در همین دوران اعلامیه های سازمان پیکار را در شهر دماوند پخش میکرد. با شوری و صفنا شدنی این شعله های آگاهی را در میان توده ها و در محلات فقیرنشین شهر می پراکند و با در کلیه راهپیمائی ها و میتینگ ها که بر علیه رژیم ضد خلقی شاه برپا میشد فعالانه شرکت میکرد و لحظه ای از توده های تحت ستمی که در این جنبش ها شرکت میجست جدا نمیشد و در کلیه حرکات تهرانی آنها، خود در صفوف جلوه نمیداد.

رفیق بعد از پایان دانشسرا به تدریس در مدارس مشغول شد. در دوران تدریس خود، همواره در ارتقاء و آگاهی انقلابی و کمونیستی شاگردانش میکوشید و در همین رابطه

بیوندی عاطفی و انقلابی عمیق میان خود و شاگردانش برقرار ساخته بود. بطوریکه وقتی رفیق محمود با شیوه دمکراتیک از بچه های کلاس خواست که از عملکرد وی گزارشی بنویسند، آن ها با صداقتی انقلابی آنچنان تحلیلی از وی کردند که واقعا نیز شایسته آن بود. رفیق محمود، در همین دوران تدریس بود که با کمیته معلمین سازمان در ارتباط قرار گرفت و در این بخش تا هنگام دستگیری اش فعالانه و پیگیرانه به وظایف انقلابی اش اقدام داد.

سرانجام در تاریخ شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۶۰ رفیق در خانه اش مورد حمله مزدوران رژیم جلا دقرا گرفت، و به همراه همسرش و چند رفیق دیگر دستگیر شد. در این خانه، رفیق شهید علیرضا سعادت (که با دنا مه اش در پیکار ۱۲۵ درج گردید) و رفیق ها شمر می بودند که هر دو توسط مزدوران رژیم جلا دقرا کشته شدند. در دوران رژیم، در نیمه های شب به خانه رفیق، محمود حمله بردند و جز چند جلد کتاب به چیز دیگری دست نیاختند. مزدوران رژیم در این حمله و حشانه مقداری از وسایل خانگی رفیق را نیز به بنما بردند و بدین ترتیب نشان دادند که او را دشمن حقیقی مظلوم ها و همسانان آنها در تاریخ هستند.

سرانجام رفیق محمود پس از یک ماه تحمل شکنجه و زندان، در تاریخ ۲۲ خرداد ماه به همراه رفیق ها شمر می (که به همراه وی دستگیر شده بود) و در کنار ۱۸ رفیق دیگر به پای جوخه های اعدام برده و تیرباران شدند.

خانواده رفیق در هفتمین روز شهادت رفیق و همزمان او، گرد آمده و با محمود و همزمانش را که همواره در قلب زحماتشان زنده است، جاویداً ختنند و سرودها و شعارهای انقلابی، آرمان آنها را زنده نگه میدارند.

یادش گرامی و راهش پایدار باد!

بقیه از صفحه ۱۰ اخبار
لیت مدرسی بود.
لیست ۸۰ نفره ای تهیه شده که قرار است از اول مهر حکم اخراج - شان صادر گردد.
بنا به اطلاع اخیرا (حدود یکماه) اداره ای بنا بر حراست از جمهوری اسلامی در کلیه وزارت - خانه های رژیم در گذشته است که اعضای آن از بین کارمندان، معاونان، اعضای و یا افرادی چون امتی ها و روزیونیست ها میباشند. این افراد که غیر علنی میباشند وظیفه جاسوسی و کنترل سایر کارمندان را به عهده دارند. در مقابل کارمندان که متوجه چنین توطئه رژیمانه ای گشته اند با هوش - باری و همکاری یکدیگر به شناسایی این مزدوران پرداخته و آنها را افشا و معرفی می نمایند.

ایلام:

۶۰/۶/۱: با مداد این روز رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی یک پسر بچه ۱۶ ساله را اعدام میکنند. وی که برای مهمانی از سقز به ایلام آمده بود در موقع دستگیری تصادفاً اعلامیه با خود داشت و رژیم سرما به که از هر جرقه آگاهی سخت میهراسد به جرم همراه داشتن تعدادی اعلامیه آگاهانه نوجوان ۱۶ ساله ای را به جوخه اعدام میسپارد. تنگ و نفرت بر رژیم.

در تاریخ ۶۰/۶/۲ حدود ساعت ۶ یک زن و چند بچه کوچک همراه با او در جلوی سیاه پاساژان ایلام با مدای بلند شعار مرگ بر خمینی میدهند. پسر از چند دقیقه با سواران ارتجاع آنها را محاصره کرده و به داخل سیاه می - برند که تاکنون از وضع آنها خبری نیست. از قرار معلوم علت این حرکت این بوده که پسر این خانواده در مرکز کشته شده بوده است. آشکار شدن ماهیت جنگ ارتجاعی دور رژیم ایران و عراق به مردم نشان داده است که کشته شدن فرزندان شان در جبهه نه بخاطر منافع آنان بلکه بخاطر میال به رژیم دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق است.

نمونه زیر با هم افشاگر ماهیت ارتجاعی روزیونیست ها است که با تمام وجود در خدمت رژیم سرما به - داری جمهوری اسلامی و سرای سرکوب مردم فعالیت میکنند. در کرمانشاه یک توده ای با ساری را که محصور کربانی به محاصره - داشته لومید دهد و سر از دستگیری با ساری میزبورد - جا بلیو به به این خدمت توده ای - حویث و کاسه داغ - ترازش بودن خود میبالد.

واقعا تجربیات خود توده ها چه خوب صحت نظر کمونیست های واقعی که روزیونیست ها را مزدوران سرمایه و سرما به داران میدانند و همیشه ماهیت کثیف شان را افشا کرده اند نشان میدهد.

بمناسبت شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبرو استقرار حاکمیت شوراها

سپس استالین پیش میرفت و جهان را به داری راه وحشت مرگ و نابودی انداخته بود. انقلاب در سراسر جهان با الهام از انقلاب اکتبر و تحت تاثیر آن بالا می‌گرفت و دروازه‌های سرمایه‌داری را می‌گشاید اما پس از درگذشت استالین، به تدریج دشمنان نقابدار پرولتاریا، این رویزیونیست‌های ضد انقلابی، بر حزب پیروز شده و اینها رقلعه را از درون تخریب نمودند. بلشویسم در معرض تهاجم و تاخت و تاز همه‌جانبه روزیونیم نوپا قرار گرفت و رویزیونیسم خروشقی به عنوان رویزیونیسم مدرن بر حزب کمونیست شوروی مسلط شد. حزب کمونیست با ملط شدن خاشن به طبقه کارگر بر آن، تغییر ماهیت داده و به ابزار نفوذ و حاکمیت بورژوازی بر طبقه کارگر، تبدیل شد. با تغییر ماهیت حزب به یک حزب ضد انقلابی و بورژوازی، مسلما دیگر بخشی از سوسیالیسم نیست و است مطرح با شد. ساختار سوسیالیسم در معرض تهاجم سرمایه‌داری نوپا قرار گرفت و سرمایه‌داری دولتی پا گرفت. ارزش اضافی به جریان افتاد و میلیونها کارگر و زحمتکش شوروی با ردیگر به اسارت سرمایه‌داری شدند. حکومت شوراها به یک حکومت تمام عیار بورژوازی امپریالیستی تغییر ماهیت داد. آری بورژوازی پس از نخستین شکست جدی با انرژی بسیار شدیدتر و با سمیت و کین و سفرتی "مدبار فزونی برای عودت بهشت" زدست رفته ... به نبرد دست می‌زنند اما بورژوازی و امپریالیسم نمیتواند از سرنوشت محتوم خویش گریز داشته باشد. عرصه ما، عصر انقلاب پرولتری عصر گذار از سرمایه‌داری نوین سوسیالیسم، عصر گذار به دنیای نوین است. گوا اینکه این گذار بدلیل اهمیت تاریخی و پیچیدگی تطوّر در دنیا صورت گرفته و با کثرت و قوسها، فرازونشیبها و شکست و پیروزیهای فراوان همراه است، گوا اینکه تجربه پیروزی اکتبر، زندگی و حیثیات چندین دهه الهام این انقلاب و سپس استحاله آن توسط سوسیالیست - امپریالیست‌های خروشقی و همپطور سرنوشت انقلاب چین پس از چندین دهه سال حاکمیت پرولتاریا، نشان میداد که این دوره گذار، بدلیل قدرت جهانی امپریالیسم و سرمایه، دوره‌ای سیر و پیچیده است. اما

در آورد. اهمیت جهانی و تاریخی اکتبر تنها در پیروزی یک انقلاب خلاصه نمیشد. ما هیت سوسیالیستی این انقلاب، آری از تمام انقلابات دوره‌های پیشین تاریخی در سراسر جهان متمایز نموده و بیشتر دوران نوینی بود که اینها بر یکسلی نظام طبقاتی، نظام استثمار و بر دگی، نظام سرمایه و استثمار، با پیدا هم گوییده میشد. از این جهت این انقلاب نمیتوانست با مقاومت فشرده و متحد و یکپارچه و مدبار را فرو نهد. امپریالیسم جهانی و بورژوازی داخلی و خارجی، در جهت نابودی حاکمیت شوراها، مواجعه کردند. گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم یک دوران تاریخی تام و تمام است. ما دام که این دوران سر نرسیده است، برای استثمارگران ناگزیرا میداد عاده قدرت با قس میماند و این امیده به تلاشهای برای اعاده قدرت مبدل میشود. استثمارگران سرنگونی خود را انداختند آنرا با ورنه میگردند و فکر آنرا هم به مغیله خود خطور نمیدادند. پس از نخستین شکست جدی با انرژی بسیار شدیدتر و با سمیت و کین و سفرتی مدبار فزونی برای عودت بهشت" زدست رفته برای غا طر غا نواده‌های خودی که آنسان خوش و راحت میزیستند و اکنون "عوام - الناس" یا بنان آنها را به خانه غرابی و فقر (بابا گشاده) محکوم میا زنده نبرد دست می‌زنند اما زمانیکه حزبی چون حزب بلشویک در راس پرولتاریای شوروی و اندیشه‌ای چون بلشویسم را هنمای این حزب بود، اعاده قدرت بورژوازی ممکن نبود. اگر پیروزی درختان اکتبر مرمون رهبری صحیح پرولتاریای سراسر روسیه و حزب بلشویک بود و اگر این حزب به اندیشه‌ای مسلح بود که تاریخ عملی ۱۵ ساله‌ای را (۱۹۰۳ - ۱۹۱۷) با متنوع ترین اشکال مبارزاتی و در شرایط مختلف گذرانیده بود، که آنرا چون سنگ خارا سخت و پولادین نموده بود، مسلما و زمانیکه پرولتاریا و حزب وی برای اندیشه مسلط بود، میتواند انقلاب را به جلو سوق داده و سنگرهای بورژوازی را یکی پس از دیگری فتح و نابود نما بدو چنین نیز شد. انقلاب به رهبری حزب کمونیست و پیشوا ی بزرگ پرولتاریای جهان لنین و

شصت و چهار سال پیش در اکتبر سال ۱۹۱۷ پرولتاریای قهرمان سراسر روسیه، با سرنگونی قهرآمیز بورژوازی اولین کشور شوراها را به پا داشت و دیکتاتور پرولتاریا را بنیان نهاد. این حادثه عظیم تاریخی بعد از کمون پاریس، از مهم ترین دگرگونیهای عصر سرمایه‌داری و سرمایه‌دوران است. آن بود. صالت فروریختن اولین سنگهای بورژوازی جهانی و بی ریزی اولین سنگ بنای دنیای نوین، به عهده پرولتاریای قهرمان شوروی قرار گرفت و پرولتاریای شوروی با رهبری حزب کمونیست، این رسالت را به بهترین وجهی پاسخ گفت. اینک دروازه‌های سرمایه‌داری گشوده میشود و استقرار دیکتاتور پرولتاریا، دنیای طرا ز نوین سوسیالیستی با عرصه‌های می - گذشت. آری انقلاب کبیرا کتبرو، در واقع متعلق به تمام کارگران و زحمتکشان جهان و اولین (به یک معنی دومین) پیروزی درختان آنان در ساختن دنیای نوین بود. پیروزی کارگران و حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان، که اینک در شوراها متبلور شده بود، بقول لنین، "به دمکراسی متعلق به اکثریت عظیم اهالی یعنی استثمارشوندگان و زحمتکشان چنان تکامل و توسعه‌ای داد که نظیر آن در جهان دیده نشده است." این حاکمیت ماهیت شیا دانسته و سالیانه دمکراسی‌های بورژوازی را بر ملا نمود و نشان داد که "دمکراسی پرولتری یک میلیون بار دمکراتیک تر از دمکراسی بورژوازی و حکومت شوروی یک میلیون بار دمکراتیک تر از دمکراتیک ترین جمهوری بورژوازی است." این حاکمیت نشان داد که "شوراها زمان بلا واسطه خود بوده‌های زحمتکش و استثمارشونده هستند. ما زمانی هستند که این امر را برای آنان تسهیل مینماید که خودشان دولت را به پا دارند و به هر نحوی بتوانند کشورداری کنند و با لایحه این حاکمیت نشان داد که پرولتاریا در جهت نابودی نظام طبقاتی و معارضت از زحمتکش بورژوازی "برای درهم شکستن مقاومت بورژوازی، برای ایجاد رعب و هراس در دل‌های مرتجعین، برای حفظ انوریت مردم مسلح علیه بورژوازی و برای اینکه پرولتاریا بتواند دشمنان خویش را قهرامان سرکوب نماید." به دیکتاتور پرولتاریا نیا ز است. آری، انقلاب اکتبر و سوسیالیسم حاکمیت شوراها را بنیان، دومین تجربه حکومت کارگران بعد از کمون پاریس بود که با عرصه‌های گذشت و به این وسیله ناقوس مرگ بورژوازی را در سراسر جهان بعدا

زنده باد سوسیالیسم!











رفیق شهید اسماعیل حسن‌وند، سمبل نسلی از بلشویک‌های جوان

شهر اقدام به جمع آوری کمک و امکانات از قبیل لباس، پتو، غذا و دارو نمود. پس از برپا نشی چادر کمپته جوانان مبارز مسجد- سلیمان جهت کمک به سیزدگان، هم‌روزه با کوله‌باری از غذا و دارو به همراه دیگر رفقای پس از عبور از کوه‌های صعب‌العبور (چراکه پل‌ها را آب برده بود) به کمک اهل نشینان بختیاری می‌شتافت و در کنار آن به کارهای گرانگه و افشای ماهیت رژیم‌جمهوری اسلامی در میان زحمتکشان سیزده‌نیز می پرداخت. بر اثر پشتکارش در این زمان از مسئولین حمل و نقل آذوقه و... به روستا شد. پس از جریان سیل رفیق در انتخابات مجلس نیز نقش فعالی داشت و با تکثیر اعلامیه‌ها و تراکت‌های فراوان در اتاق‌های سی روزنه به کار می‌پرداخت بطوریکه تا مدتی از رفتن به مدرسه خودداری کرد.

با آغوش در اردیبهشت ۵۹ رفیق بهنگام تحویل گرفتن کارتن-نشریات بوسیله سه به جمل و سرما به دستگیر می‌شود و علیرغم کم-تسلیمات دروغین رژیم در آن زمان که به‌جای کمترین ۱۸ سال را به سه ماه حبس محکوم می‌نمایند، پس از فشارهای زیاد به رفیق جهت پیدا کردن عامل فرستاده‌ها - موفق می‌شوند به یک سال حبس محکوم می‌گردد. رفیق ۶ ماه در زندان می‌گذراند و بدین آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق و از آنجا که زندان کاروان هوا در تیر-رس آتش توپخانه عراق بود، رفیق را که شش کم و حبس سنگینی نداشت به همراه چند تن دیگر از رفقای هم-سالش آزاد می‌کنند دوران زندان رفیق را با زحمات بدیده تر نمود و از گوران مبارزه طبقاتی سربلند بیرون آمده و این بار را بدیده تر به مبارزه طبقاتی روی می‌آورد. رفیق همچنان در تشکیلات رشد می‌نماید بطوریکه یکی از مسئولین بسیار فعال بخش تبلیغات می‌شود رفیق که دیگر از این زمان به بعد کمونیستی حرفه‌ای گشته بود تنها با شغل‌های بیک در محل‌ها روان بقیه در صفحه ۱۸

را از طرق مختلف وارد شهر می‌نمود و دشمن را عازم جزو بون می‌اخت. رفیق چنان علاقه به مبارزه داشت که با وجود حاضری و وظیفه‌اش و توصیه مسئولین یکدم از پستی نمی‌نشت و خواهان کار مسئولیت‌های بیشتر بود. بطوریکه در برخی محلات نیز در ارتباط و بخش اعلامیه و شعار نویسی نیز به فعالیت می‌پرداخت. رفیق در تشکیلات روز بروز بیشتر رشد می‌نمود و ارتقا می‌یافت بطوریکه مسئولیت‌های جدیدتری به عهد او گذاشته می‌شد.

رفیق بر اثر ارتباط "بیک" تشکیلات مجد سلیمان با تشکیلات مرکزی جنوب گردید و علاوه بر آن در تیم چاپ نیز با زماندهی شدیدی از اعضا موثر تیم چاپ گردید. رفیق که ۲۰ ساعت از شبانه روز را کار می‌کرد و ساعتها در خانه چاپ به چاپ نشریات محلی و اعلامیه‌ها می‌پرداخت و پس از آن راهی محلات می‌شد تا توزیع آن نیز به دیگر رفقا کمک کند و بموقع نیز برای ارتباط گیری و رساندن بیک از شهر خارج می‌شد. آری رفیق دیگر به معنای واقعی یک بلشویک بود، بلشویکی جوان که نرده‌های ترقی و تکامل

ایدئولوژیک تشکیلاتی را یکی بعد از دیگری می‌پیمود. رفیق همیشه هر مسئولیتی را با آغوش با زوالبهای خندانش می‌پذیرفت. از خصوصیات بارز رفیق ایمان عظیم و شجاعتش به طبقه کارگر همراه با شجاعت و جرات بی‌مانند و روحیه شاد و بانشا وی می‌باشد. شایستگی اسماعیل را ندیده به باشد که روزی افسرده و غمگین باشد همیشه شاد و خندان بود و به پیروزی توده‌ها ایمان داشت و در راه مبارزه طبقاتی هرگز هراسی بخود راه نمی‌داد. در همه جا پیشقدم و پیشا هنگ بود.

در جریان سیل اخیر خوزستان (بهمن ۵۸) نقشی واقعاً فعال داشت و در حالی که در روزهای اول رفقای بالای تشکیلات هاج و واج مانده بودند، رفیق دست بکار شد، به کمک چند دانش آموز دیگر در محلات

درجا معه ما در این شرایط خیلی‌ها می‌پیرند و با مرگ روبه‌رو می‌شوند ولی مرگ همه آنها به یک شکل در محیط خود موثر نمی‌افتد. مرگ بعضی‌ها چنان سنگین است که به سنگینی قله البرز و شهادت رفیق اسماعیل از این نوع بود.

رفیق شهید اسماعیل حسن‌وند در اسفندماه سال ۱۳۴۲ در یک خانواده کارگری و فقیر به دنیا آمد و فقر چنان از سروروی خانواده رفیق میبارید که وی را بجای شیر آب جوش و نشاسته بزرگ کردند. چو خانواده رفیق کاملاً سیاسی نبود و رفیق از سن ۱۲ سالگی با سیاست آشنا شد و به مطالعه آثار صمد بهرنگی پرداخت. وی از اوائل جنبش توفنده توده‌ها علیه رژیم منحوس شاه در صف مقدم مبارزات مردم و بخصوص دانش‌آموزان بود و بطوریکه کمتر مبارزه‌ای و یا تحمیل و اعتصابی را خصوصاً در سطح مدارس می‌توان سراغ داشت که رفیق نقشی فعال در آن نداشته باشد. رفیق در سال ۵۷ در جریان یورش دانش‌آموزان به دبیرستان ملی که ویژه به‌جای مرفه بود "به آتش کشیدن دفتر مدرسه پهلوی" که مسئول آن اعتصاب نکرده بود و همچنین حمله به بانکها نقش برجسته و کاملاً چشمگیر داشت. بطوریکه پلیس فاشیست شاه برای دستگیری رفیق به خانه‌شان یورش برد. علاوه بر آن رفیق در ۲۲ بهمن ۵۷ که توده‌ها و نیروهای انقلابی به زرادری شهر حمله کردند نیز حضور فعال داشت.

بعد از قیام ۵۷ رفیق در مبارزات دانش‌آموزی مدارس سهم‌بزرگی داشت. بطوریکه رفیق از مسئولین بخش دانش‌آموزی تشکیلات هوادار مجد سلیمان و مسئولیت هسته دبیرستان خود "۱۷ شهریور" را داشت. در اوائل سال ۵۸ که دفتر سیاسی طرفداران طبقه کارگر در مجد سلیمان تشکیل شد و یکی از رفقای فعال و خوب قسمت بخش

دفتر بود که به کمک یکی دور رفیق دیگر مسئول بخش چندین محله بود. خلایقیت، استعداد و صلاحیت‌های رفیق چنان بود که با بازگرفتن تشکیلات هوادار سال زمان بیکار در این شهر در نیمه دوم سال ۵۸ رفیق مسئولیت تحویل گرفتن نشریات را عهده‌دار شد.

رفیق گاهی ساعتها در زیر آفتاب گرم جنوب برای گرفتن نشریات نیرو صرف می‌کرد و در این زمان که بیش از ۱۵ سال نداشت با جثه نحیف ولی پرا امانش کار رتبه‌ای سنگین نشریات را حمل و نقل می‌کرد و آن را به کارنال خاص خود می‌رساند علیرغم کنترل شدید و دقیق دروازه شهر، رفیق با زرنگی خاصی نشریات

فنگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی، عامل کشتار صدها کمونیست و انقلابی!

دسته جمعی اخیر در هفته اول تیر ماه رفیق اسماعیل با دسته تیمی خود به هنگامی که نیمه شب برای افشای و محکوم کردن اعدای دسته جمعی مشغول شعار نویسی بود دستگیر و پس از شکنجه های فراوان و خوریزی ناشی از شکنجه و در زیر مراقبت شدید در سحرگاه شنبه ۲۰ تیر ماه جلوه خه اعدام قرار میگیرد و با این که رؤسای او خواسته بودند که توبه کند و کتاب علیه سازمان خسودچیری بنویسد تا آزادی را با زیبا بدلیکن رفیق حمزه آفرین به دادستان و حاکم شرع فاشست "خزاشی و بهرامی" نه گفت و بشوید و او در حالیکه هنوز ۱۸ سال تمام نشده بود جای خود را تا رطبه کارگرو توده های زحمتکش میهنش نمود. رفیق را دژ خیمان همراه با یک مجاهد خلق پس از اعدام با لباس خونینشان به خاک می سپرد. پس از آن که خبر اعدام رفیق در شهر پخش میشد خانوادها و بستگانش به همراه توده ها رفیق را با جنگ و دندان از زیر خاک بیرون آورده و پس از انجام مراسم با احترامی عمیق به او آرمایشی و رابحی می سپارند. طبق برخی اخبار، رفیق را وحشیانه شکنجه نموده تنش را با سیگار روزانه بودند و دستش را شکسته بودند و بدین ترتیب، بشویدگی جوان با جوهر کمونیستی خویش، استوار و سربازانند و برابر سرب های داغ قامت برافراشت و بانگ های در افتاب سرخ آرمان سوسیالیسم، آتش تیر را بر پیکر سرش را زبینه اش پذیرا گشت. پادشاه و داندان و راهبش پایدار باد.

بقیه از صفحه ۱۷ رفیق ۵۰۰۰۰ بود چرا که بر اثر شرایط جنگ ارتجاعی دیگر امکان کار عملی در روز میر نبود و دیوارهای شهر را با شعارهای کمونیستی رنگین می نمود و نودای زحمتکشان را که از گزاشی و سیکاری به تنگ آمده بودند بوسیله شعار برد و دیوارهای شهر با کمک دیگر رفقای پیش متعکس می ساخت. در ماههای اخیر که نقش تبلیغات در تشکیلات برشته تر میشد رفیق وارد تبلیغات حرفه ای تشکیلات میشد و بعلت موقعیت حاشیای "س. پ. به کار" می پرداخت و پس از تغییر و تحولات ماههای اخیر و پس از فعالیت های شبانه روزی اش در بخش "س. پ." دوباره به تشکیلات "د. د. پ. میگرد" مسئول هسته حرفه ای تبلیغات در شعار نویسی و پخش اعلامیه میگرد. فعالیت های پیگیر و خستگی ناپذیر رفیق خواب را از چشم دشمن ربوده و سبب شکست تیررس گلوله های دشمن گریخته بود. در شرایط اوج گیری جنبش توده ها رفیق به کمک دیگر رفقا در شکستن جواختناق شهر در ماههای اخیر نقش عظیم داشت و در یک ماه اخیر "در اردیبهشت ماه، به هنگامی که در یک تیم محافظ از دیگر رفقای فروش و پخش محافظت می نمود برای رهاشی یک رفیق از دست حزب الهی هادگیر می شود که موفق به نجات رفیق پخش شده لیکن خنود رفیق اسماعیل دوباره دستگیر میشود و به شدت مورد ضرب و شتم حزب الهی ها و افراد بسیج قرار میگیرد لیکن چون از رفیق مدارگی بدست نیامده بودند فردای آن روز او را آزاد میکنند. رفیق در حرکت های توده ای اخیر و جریان ۳۰ خرداد بسیار فعال بود و پس از اعدام های

بقیه از صفحه ۱۵
ما هشر:
ب ۱۱۱۰۰۰
م معلم ۵۰۰۰
ب بیکار ۱۱۰۰
ع کارمند ۴۰۰۰
ش کارمند ۵۰۰۰
م معلم ۲۲۰۰۰
ه کارمند ۵۰۰۰
ه مجدی ۱۰۰۰۰
ش کارمند ۲۰۰۰
ب بیکار ۳۰۰۰
د معلم ۱۰۰۰۰
م معلم ۱۰۰۰
صا فرکارمند ۳۰۰۰
د کارمند ۲۰۰۰
ز کارمند ۹۰۰۰
ف کارمند ۲۰۰۰
ر کارمند ۱۰۰۰
ح. د. کارمند ۳۰۰۰
زن خانه دار ۲۰۰۰
خانواده هوادار ۱۵۰۰۰
سلا کارگزار نشسته ۵۰۰۰
رفقای رزمی ۲۵۰۰
عقاب کارگر ۳۰۰۰
۱- اردبیل ۳- ۱۷
۲- بوشهر- ر- فا از حاصل کار مداوم و صرفه جویی برای روزمبادای سازمان ۲۷۲۶۰۰ ریال
۳- رامهرمز- رفقای د. د. ۲۳۲۰۰۰ + یک سکه ریح پهلوی + ۳۰ لیتر بنزین + ۵۰۰۰
۴- بهبهان - د. د. معلم آواره ۵۰۰۰
۵- سربندر- آواره محرمه ۲۰۰۰ س. دیپلمه بیکار ۱۰۰۰
۶- آغا جری - رفقای د. د. ۸۳۶۰۰۰ + ۷۰۰۰ + ۲۹۰۰۰ + ۲۱۰۰۰ + ۵۱۰ لیتر بنزین



درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

بقیه از صفحه ۲۰ شهادت ۰۰۰۰
منطقه از لوث وجود این مزدوران
بود و سرانجام در مبارزه علیه
مرتجعین در تاریخ ۶۰/۶/۱۱ با
گلوله مزدوران به شهادت رسید و
خون خویش را و شجره ها شکی
زحمتکش نمود.
پادش را با ادا مراهش
گرامی بداریم.



رفیق پیشمرگ شهید
زرگارشیرخ الاسلامی

رفیق در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای
متوسط در شهر مریوان بدنیا
آمد در همان اوان جوانی تحت
تأثیر جو سیاسی خانواده با مشاغل
سیاسی آشنایی پیدا کرد. در سالهای
قبل از قیام یکی از عناصر فعال
جنبش دانش آموزی بود، وی به همراه
دیگر همفکران خود اعتراضات دانش-
آموزی را علیه رژیم ارتجاعی شاه
سازماندهی میکردند و در اعتراضات
و راهپیمایی ها و میتینگها که با عت
جلب مردم بطرف انقلاب میشد، شرکت
فعال داشت. رفیق همچنین از
سوی ساواک نیز تحت پیگرد قرار
داشت.

رفیق در بحبوحه مبارزات توده
ای در سال ۵۷ با چند تن دیگر از
رفقای خود برای سازماندهی
مبارزات دانش آموزان و پیوند آن
با جنبش توده ای، گانون محصلین
مریوان را بوجد آوردند. گانون
برای شرکت های بیدریغ رفقا
یکی از مراکز مهم تجمع و تشکل
دانش آموزان گردید. رفیق به
همراه دیگر رفقا در گانون برای بالا
بردن سطح آگاهی دانش آموزان و
نیز توده های مردم از زمینه
امکانات موجود مانند چاپ نشریه
اعلامیه، اجرای نمایشنامه،
سرکزاری نمایشگاه و در شرکت کردن
کتابخانه ها و نیز شرکت عملی در
کارهای دسته جمعی استفاده
میکردند. و در عین حال رفیق در
نمایش نزدیک با اتحادیه دهقانان
بود و در کوچ تاریخی مردم مریوان

نقش فعالی داشت.
رفیق در بوش ۲۸ مرداد ماه
۵۸ که همراه چند تن دیگر دستگیر شد.
که بعد از آزاد شدن دوباره فعالیت
مبارزاتی خود را از سر گرفت و در
همین اوان با تشکلات پیگزار
سازمان سندج تماس گرفت و بطور
فعال در جنبش دانش آموزان علیه
حضور مزدوران رژیم در شهر شرکت
میکرد.

بعد از آزاد شدن شهر را رفیق
فعالیت خود را در گانون محصلین
مریوان ادا می داد که در اجرای
نمایشنامه ۹ شهید و نیز چندین
نمایشنامه دیگر شرکت فعالی داشت
و در عین حال در بخش نشریات
و اعلامیه های سازمان و نیز تبلیغ
مواضع سازمان نقش بسزایی داشت
رفیق مدتی در شهر سقز و سندج
پیشمرگ بود در جریان جنگ یک ماهه
مریوان در "بنگه ها" به فعالیت
پرداخت و مدتی بعد از تخلیه شهر
به پیشمرگان پیوست.

رفیق در مدت زمانی که
پیشمرگ بود در کارهای عملی و
سیاسی شور و شوق زیادی از خود
نشان میداد و در بالا بردن سطح
آگاهی سیاسی و تئوریک خود و
دیگر رفقایش کوشا بود. رفیق برای
مدتی در جمع مسئولین مقرر جمع
مسئولین آموزشی سیاسی پیشمرگان
"بدل" شهید گردید.

سرانجام رفیق در درگیری با
نیروهای مزدور و مکررات و زرگاری
در منطقه کامیاران در حالیکه در
اول جبهه بود به شهادت رسید.
پادش گرامی باد!



رفیق پیشمرگ شهید
ارسلان خلیلی

رفیق ارسلان خلیلی در سال
۱۳۴۱ در یک خانواده زحمتکش در
شهر سندج متولد شد. او در تمام
طول زندگی کوتاهش با در ورنج
زحمتکش آشنا بود، از همین رو با
برآمدن جنبش انقلابی در سرانجام
ایران با وجود سن و سال کم، بطور
فعال در مبارزات دانش آموزان،
در تظاهرات، اعتصابات، بخش

اعلامیه و..... شرکت جست. بعد از
قیام با آوگیری مبارزات توده ها
در کردستان همراه دیگر رفقای خود
در اینجا دینکه های محلات در سندج
نقش فعال داشت و یکی از فعالین
بنگه "نازه باد" بود. شایستگی
وجاهت و شجاعت انقلابی رفیق به
حدی بود که از همان ابتدا بعنوان
مسئول کمیته نظا می بنگه انتخاب
شد. وی در دوران فعالیتش در "بنگه"
با شور و علاقه ای فراوان به آموزش
نظامی افراد "بنگه" و محصلین
میدرخاقت. رفقا و دوستانش در
"بنگه" خاطره فداکاری ها و مصیبت
حوصله رفیق را در آموزشگاه های
نظامی و... فرا موش نخواهند کرد.
با شروع بوش ضد انقلابی
رژیم به کردستان در بهار ۵۹ کاک
ارسلان بعنوان یک پیشمرگ انقلابی
دو شا دوش مبارز پیشمرگان در مقاومت
حماسه آفرین ۲۳ روزه مردم مبارز
سندج در مقابل بوش وحشیانه
رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی
شرکت فعال داشت و بهنگام خروج
پیشمرگان از شهر، رفیق به صف
پیشمرگان سازمان پیشمرگان و
تا لحظه شهادتش در سنگراسان
علیه سرمایه داری جمهوری اسلامی
و نیروهای سرکوبگر طبقه سرمایه-
دار و در خدمت آرمان طبقه کارگر
پیگرا نمود.

رفیق ارسلان نمونه کاملی از
یک پیشمرگ انقلابی و کمونیست
بود و شور و شوق مبارزاتی، صداقت
انقلابی، شجاعت و جرات رفیق
در درگیری های نظامی از صفات
مبارز و بود و همین خصوصیات رفیق
را از محبوبیتی خاص در نزد رفقای
سازمان و زحمتکش منطقه
کامیاران و "را و رود" برخوردار
کرده بود. مقام قهرمانانه رفیق
به همراه ۹۰ تن دیگر از همزمانش
در درگیری "کوله ساره" با یک ستون
عظیم زارتش و جاش و پاسدار در
زمستان ۵۹ افتخار آفرین بود. در
این درگیری رفیق پس از آن که تا
آخرین فشنگ مقاومت میکند در
حالی که بر اثر اصابت دو گلوله (یکی
به سر و دیگری به رانش) زخمی
گردیده و همراه ۴ رفیق دیگر در محاصره
دشمن قرا گرفته بود، وصیت نامه ای
که به خویش آغشته شده بود می نویسد.
این وصیتنامه که بعد از زینت بخش
صفحات نشریه پیگرا ۱۳ آبان نیز
گردید عمق کینه طبقاتی وی را
نست به دشمن و عشقش را به آرمان
پرولتاریات نشان میداد. او در لحظاتی
که سگرتش آماج گلوله های دشمن
بود و آخرین فشنگ را برای خود
نگه داشته بود، در دفترچه خون-
آلودش نوشت:

..... دشمن به ما رحم نمی کند
ما هم نباید به دشمن رحم کنیم.
مبارزه طبقاتی یعنی بی رحمی به
دشمن. من افتخار میکنم که مرگم
در خدمت آزادی طبقه کارگر و
بقیه در صفحه ۶

شهادت سه رفیق پیشمرکه قهرمان در کامیلاوان، بیگن دیگری از جنایات حزب دمکرات و مزدوران زرگاری:

بود که منجر به شهادت ۳ رفیق پیشمرکه از زمان ما و چند رفیق پیشمرکه از کومله گردید. این رنقای قهرمان به همراه دیگر پیشمرکه های دلاور دوسالمان با مقاومت و تعرض متقابل خود در برابر یورش ضد انقلابی ایستادند. نشان دادند که در برابر هر ترسای جمعی به منافع خلق کرد و از آن جمله نیروهای انقلابی واقعی جنبش مقاومت، قهرمانانه ایستادگی مینمایند. رفیق های پیشمرکه شهید، رفیق زرگاری شیخ - الاسلامی، رفیق ارسلان خلیلی و رفیق اسدملواتی، سه رفیق بیگنی بودند که در این نبرد قهرمانانه مقاومت کردند، جنگیدند و سرانجام جان باختند.

با دورا هسان گرامی باد.

نظامی شرکت فعال مینمود. رفیق یکی از پیشمرگان جسور و شجاع سالمان بود که همواره در صف مقدم جبهه بود و در ضمن رفیق مغموما در عملیات تارنچک اندازی مهارت خاصی داشت. توانائی های رفیق و عشق و علاقه دوی زحماتشان موجب شد که سالمان در شهریورماه ۵۹ وی را بنا به یک وظیفه تشکیلاتی به بلوچستان بفرستد. و در آنجا رفیق در مبارزات خلق بلوچ شرکت نموده و به رنقای نظامی هواداران و عناصر تشکیلاتی سالمان پرداخت و پیوند عمیقی با زحماتشان برقرار نمود.

رفیق در بلوچستان با اسم مستعار حسین فعالیت مینمود. بعد از ۸ ماه رفیق دوباره به کردستان بازگشت و در منطقه که می ران به فعالیت مبارزاتی خود ادامه داد و به علت توانائی هائی که داشت در یکی از حوزه های سازمانی سازماندهی شد. بطوریکه چشم انداز نزدیک آینده عضویت را داشت. خصوصیات انقلابی رفیق درس و تجربه ای بود برای دیگر رفقای پیش، بزخورد شده ای، کارآگاه گران به توده ها و متانت و انضباط هرولتری رفیق همواره با نزدیکی رفقا پیش بود. صداقت، جرات و خستگی ناپذیر بودن رفیق در امر مبارزه، برخورد انقلابی به انتقادات خویش موجب شده بود که رفیق در میان دوستانش چهره محبوبی به خود بگذارد.

هنگام شروع درگیری با مزدوران زرگاری - دمکرات در منطقه کامیلاوان رفیق یکی از پیشمرگان بود که همواره در روحیه تعرضی داشت و خواهان پاکسازی

کوشه ها می از این ضدیت دیرینه طبقاتی "حزب" نسبت به منافع کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم و نیروهای آگاه کمونیست را به نمایش میگذارد. همین یکسال پیش بود که این حزب در یوکان با تنها جمعه انقلابی اش به مقر سالمان در این شهر، ۳ رفیق قهرمان ما را به شهادت رسانید، تعداد زیادی را دستگیر نمود (که بعداً تحت فشار توده های خلق گرد و نیروه های انقلابی آزاد گردیدند) و اموال مقرر را به غارت برد. و اکنون آخرین و تازم ترین خیانت و جنایت این حزب در مقابل ضدیت با نیروهای انقلابی کمونیست در کردستان تحمیل یک درگیری مسلحانه به همراه ضد انقلابیون زرگاری، به ما و رفقای کومله در منطقه کامیلاوان

آگاه گران در میان آنان کوتاهی نمیکرد.

بعد از قیام مبدنیا ل او جگری مبارزات زحماتشان کردستان رفیق همچنان به مبارزات خود ادامه داده و در راهیما می مردم شنیدج بطرف میروان نقش فعالی داشت. هنگام یورش ضد انقلابی رژیم به کردستان در مردادماه ۵۸ مقاومت انقلابی خلق کرد، رفیق در شرایط خفکان رژیم در شهرها به ضرورت هسته های نظامی پی برد و با کمک دوستانش در بمب گذاری مراکز جاها شرکت فعالی داشت و در ادامه آن در حمله به استانداری که محل استقرار مزدوران بود رفیق فعالانه شرکت نمود.

بعد از شکست رژیم در یورش خود و با زبسن گرفتن شهرهای رفیق در ادامه فعالیت خود به ضرورت کار تشکیلاتی پی برد و در این رابطه با قبول خط مشی سیاسی و تشکیلاتی سالمان بیکار با هواداران سالمان تماس گرفت و بطور علنی در دفتر سالمان در سنندج به مقاومت پرداخت و عشق و علاقه فراوان به کار پیشمرگه ای به صفوف پیشمرگان سالمان پیوست.

بعد از مدتی رفیق بنا به یک وظیفه تشکیلاتی به همراه دسته ایی از پیشمرگان به سقزا اعزام گردید، انتقال رفیق همزمان بود با درگیری شهر سقز که رفیق همراه با پیشمرگان سالمان و مردم مبارز شهر به مقاومت در برابر ترسای جمعه مزدوران رژیم پرداختند. بعد از تخلیه شهر توسط پیشمرگان بعد از مدتی به منطقه کامیلاوان منتقل گردید و در آنجا هم در درگیریهای

خلق کرد در مبارزه قهرمانانه اش در دوسال و نیم اخیر، فقط دشمنان آشکار و غریبی نظیر رژیم جمهوری اسلامی را در برابر خود ندانسته است، بلکه دشمنان دوست نمائی که در صفوف وی رخنه کرده اند، نیز همواره خنجریدست آماده وارد آوردن ضربه بر یکرخونین اما استوار این خلق دلیر بوده اند. حزب دمکرات کردستان، در پوشش طرفداری از منافع خلق کردها و ره مترصد وارد آوردن ضربه جدیدی بر جنبش انقلابی کردستان، بوده است و این ضربات را به اشکال مختلف و پیوسته در لحظات حساس و خطیر برپیکر آن وارد آورده است. جنایات مزدوران این حزب در کردستان نسبت به نیروهای کمونیست و نمایندگان واقعی جنبش انقلابی کردستان،



رفیق پیشمرکه شهید
کاله اسدملواتی

رفیق اسد در سال ۱۳۳۹ در یک خانواده کارگری در سنندج مبدنیا آمد به علت فقر و تنگدستی خانواده رفیق در حین تحصیلش از طریق کار کردن بخشی از مخارج خانواده را تامین میکرد و بدین جهت از نزدیک با دردورنچ زحماتشان که خود از میان آنها برخاسته بود آشنا بود. رفیق اسد با او جگری مبارزات خلقهای ایران در سال ۵۸ با مسائل سیاسی آشنا شد و در تظاهرات و راهپیمائی قبل از قیام علیه رژیم جلاد پهلوی نقش فعالی داشت و نیز یکی از پیشاهنگان جنبش دانش آموزی در سنندج بود.

عشق و علاقه بی پایان رفیق به زحماتشان وی را وادار میکرد که هر چه بیشتر به آنها نزدیک شود و به میان آنان برود و یکدم از کار

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق